عملیات

فتح المبین



بسم الله الرحمن الرحیم

عملیات فتح المبین

نویسنده:

مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه

ناشر چاپی:

سپاه پاسداران - واحد مطالعات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عملیات فتح المبین

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: عملیات فتح المبین : آزادسازی غرب کرخه / تهیه کننده مدیریت بررسی های تاریخی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی .

مشخصات نشر: تهران : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۵۳ ص . : مصور، نقشه ؛ ۱۹/۵× ۹/۵س م. + اوراق نقشه تاشده

شابک: ۲۰۰۰ ریال : ۶۴-۶۳۱۵-۹۶۴-X ؛ ۵۰۰۰ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: The battle of Fatth - ul - Mubin.

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۲-۵۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: آزادسازی غرب کرخه .

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات فتح المبین

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- نبرد ها

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- رودکرخه، منطقه

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. مدیریت بررسیهای تاریخی

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره: DSR۱۶۰۷ /ف۲ ع ۸ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۹۵۵ /۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۱۵۵

مقدمه

دوران هشت سال دفاع و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر هجوم نظامی رژیم عراق - که با ترغیب آمریکا آغاز شد و با پشتیبانی همه ی قدرت های سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان ادامه یافت - از بارزترین مقاطع حیات حقیقی این مرز و بوم است.

اینک که بیش از شانزده سال از پایان این دوره ی سرنوشت ساز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی می گذرد، تبیین حماسه های عظیم و ارزشمندی که مردم و رزمندگان این سرزمین آفریدند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با درک این رسالت تاریخی، تلاش می کند با بهره گیری از اسناد، مدارک و منابع بی نظیری که راویان و محققان این مرکز در طول جنگ هشت ساله جمع آوری کرده اند،

ابعاد مختلف دفاع مقدس را ترسیم نماید. بی تردید وجود اخبار، گزارش ها، آمار و اطلاعات معتبر و موثقی که از مراکز طرح ریزی، هـدایت و فرماندهی عملیات ها تا میدان های نبرد و صـحنه های درگیری به صورت زنده و واقعی جمع آوری گردیده بر غنـای آثـار مرکز مطالعـات می افزایـد و زوایـای مختلف و تاریـک جنگ را با هـدف آگاه سازی افکار عمومی روشن می سازد.

مرکز مطالعـات و تحقیقـات جنگ تاکنون مجموعه های متعـددی را درباره ی وقایع جنگ عراق علیه ایران منتشـر کرده است. این مجموعه که گزارش نبردهـای اصـلی رزمنـدگان اسـلام در مقابله با ارتش عراق و هم پیمانانش می باشـد، برای دسترسـی آسان تر و آشنایی بیشتر علاقه مندان و محققان به وقایع این نبرد عظیم است که هر جلد آن

[صفحه ۸]

به یکی از عملیات های اصـلی جمهوری اسـلامی علیه متجاوزان اختصاص دارد و به صورت نسـبتا خلاصه و جمع بنـدی شـده تهیه می شود و شامل شناسـنامه ی عملیات، اوضاع سیاسـی و نظامی در آسـتانه عملیات، طرح ریزی و اجرای عملیات، نتایـج و بازتاب های آن می باشد.

این کتاب با کوشـش مهدی خداوردی خان و حمیدرضا فراهانی، با اسـتفاده از اسناد نظامی منتشر نشده ی مرکز، منابع سیاسی و کتاب های منتشر شده ی مرکز مطالعات از جمله کتاب «جنگ، بازیابی ثبات» نوشته محمد درودیان تهیه شده است.

ویرایش محتوایی این کتاب را مهـدی انصاری و ویرایش ادبی آن را احمـد نصـرتی به انجام رسانـده اند و در آماده سازی آن حسین مجیدی،هادی کریم دهنوی و محمدعلی باغی (حروف چینی، صفحه آرایی، طرح جلد) همکاری کرده اند.

امیـد است این کوشـش نـاچیز مـورد رضـای حضـرت حـق جـل و علاـ و مـوجب ادای گـوشه ای از حق شـهیدان، جانبـازان و رزمندگان این نبرد عظیم و مقتدایشان حضرت امام

خمینی شود و جویندگان حقایق این واقعه بزرگ از آن بهره مند شوند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۳

[صفحه ۹]

شناسنامه عملیات

نام عملیات: فتح المبین

رمز عملیات: یا زهرا (س)

منطقه عملیات: جبهه جنوبی، شوش و دزفول

زمان عملیات: ۲/ ۱ / ۱۳۶۰ تا ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۰

هدف: آزادسازی منطقه غرب دزفول و جاده دزفول – دهلران و تأمین اندیمشک، شوش، دزفول و جاده اندیمشک – اهواز.

نوع عملیات: گسترده

فرماندهی عملیات: مشترک (سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی)

سازمان عملیات: مشترک

استعداد نیروهای درگیر خودی: ۱۲۴ گردان پیاده، ۹ گردان زرهی

استعداد نیروهای درگیر دشمن: ۹۲ گردان پیاده، ۳۹ گردان زرهی، ۲۹ گردان مکانیزه، ۳ گردان کماندو، ۳ گردان گارد و ۱۲ گردان توپخانه

نتایج عملیات: آزادسازی ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های اشغالی شامل ده ها بخش و روستای منطقه و چند جاده و تنگه مهم، خارج شدن دزفول و شوش و اندیمشک و پایگاه هوایی دزفول از دید و تیر مؤثر دشمن.

تلفات دشمن: ۲۵۰۰۰ کشته و زخمی و ۱۷۰۰۰ اسیر

خسارات دشمن: انهدام ۱۸ هواپیمای جنگنده، ۳۶۱ تانک و نفربر، ۳۰۰ خودرو، ۵۰ توپ و ۳۰ دستگاه مهندسی

غنائم: ۳۲۰ تانک و نفربر، ۵۰۰ خودرو، ۱۶۵ توپ و ۵۰ دستگاه مهندسی و مقادیر زیادی سلاح و تجهیزات انفرادی

مروری بر اوضاع سیاسی و نظامی قبل از عملیات

تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از عملیات پیروزمندانه طریق القدس که در تاریخ ۸ / ۹ / ۱۳۶۰ انجام شد و به آزادسازی بستان منجر گردید، وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله نشانه ها و آثار ناتوانی عراق برای حامیان و متحدانش آشکار گردید و در مقابل، توان نظامی رو به رشد ایران به نمایش گذاشته شد. در واقع، پیدایش وضعیت جدید به منزله تغییر تدریجی موازنه جنگ به سود ایران ارزیابی می شد. به همین دلیل، وقوع برخی رخدادها در حد فاصل عملیات طریق القدس

تا عملیات فتح المبین، از این نظر قابل تأمل و از اهمیت بالایی برخوردار است.

دشمن برای تصمیم گیری نهایی نیاز به زمان و حفظ موقعیت خود داشت. در این وضعیت با توجه به اینکه ابتکار عمل در دست نیروهای خودی بود لذا تداوم عملیات و سرعت در اجرای عملیات بعدی نقش تعیین کننده ای در شکست ارتش عراق داشت، به همین دلیل دشمن دست به تلاش هایی زد که قابل توجه است.

یکی از این تلاش ها حمایت از نیروهای ضد انقلاب در داخل کشور بود، زیرا دشمن می دانست که در صورت تثبیت اوضاع کشور و تأثیرات فزاینده آن در داخل، تحولات نظامی به سود ایران و به زیان عراق، پر شتاب تر خواهد شد. بنابراین حمایت رژیم عراق از نیروهای ضد انقلاب با این امید انجام می گرفت که بار دیگر اوضاع داخلی کشور متشنج و بی ثبات شود. نیروهای ضد انقلاب نیز که موقعیتشان رو به ضعف نهاده بود، بهبود وضعیت خود را در کسب حمایت خارجی

[صفحه ۱۲]

ارزیابی می کردند، در نتیجه اهداف مشترک برای تداوم حیات ضد انقلاب در داخل و جلوگیری از پیروزی جمهوری اسلامی در جبهه های جنگ، به همکاری گروهک ها و حکومت عراق منجر شد.

عراقی ها در حالی که در وضعیت نامساعدی قرار داشتند همچنان همان شعارهای ماه های نخستین جنگ را طرح می کردند. طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق و فرمانده ارتش خلقی، طی مصاحبه ای گفت:

«ما بر این نکته تأکید می کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران به طور کلی منهدم شود! زیرا اختلافات اساسی بر سر چند صد کیلومتر مربع زمین یا نصف شط العرب که سبب بروز جنگ شده بود، نیست.

بنابراین، جنگ ما با ایران برخلاف آنچه بعضی از خائنین به ملت عرب ادعا می کنند، یک جنگ مرزی نیست که بتوان آن را به تعویق انداخت، بلکه در حقیقت جنگ سرنوشت است.» [۱] .

عراقی ها همچنین با هدف پیشگیری از اجرای عملیات بعدی ایران یا تأخیر در اجرای آن، تلاش می کردند منطقه عملیات را کشف کنند. [۲] برخی شواهد نیز حاکی از آن بود که دشمن تا اندازه ای پی برده است که پس از آزادی بستان، ایران در منطقه غرب رودخانه کرخه عملیات خواهد کرد. [۳] لذا با توجه به ضعف ها و نگرانی هایی که داشت، می کوشید که منطقه نبرد را تعیین و به نیروهای نظامی ایران تحمیل کند. [۴] عراق با همین هدف، حمله به تنگه ی چزابه را از ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ آغاز کرد و به مدت ۲۰ روز ادامه داد. در این عملیات،

[صفحه ۱۳]

توپخانه عراق منطقه ای به وسعت هشت کیلومتر در دو کیلومتر را زیر آتش بسیار شدید خود قرار داد. صدها توپ، منطقه را متر به متر کوبیدند. بیش از یک میلیون گلوله توپ بر سر نیروهای خودی فرود آمد! نزدیک به ۳۰ گردان نیرو که برای اجرای عملیات فتح المبین آماده و سازماندهی شده بودند، در تنگه ی چزابه درگیر شدند و صدمات زیادی به آنها وارد گردید. [۵] با این حال مقاومت نیروهای خودی از یک سو و درک روشن فرمانده کل سپاه از اهداف دشمن، سبب شد تا نیروهای خودی به جای ادامه درگیری در این منطقه - که هدف دشمن بود - تلاش اصلی خود را در منطقه عملیاتی فتح المبین متمرکز کنند. غلامعلی رشید در این زمینه می گوید:

«ما نسبت به اهداف دشمن

ابهام داشتیم زیرا عراقی ها در عین حالی که حملات سنگینی را انجام می دادند ولی کلا به سمت بستان پیشروی نمی کردند. در این شرایط فرماندهی محترم کل سپاه طی تحلیل اظهار کرد که هدف دشمن تأخیر در عملیات بعدی (فتح المبین) است و باید سریعا منطقه عملیات فتح المبین را فعال کنیم.» [۶] .

سرانجام به دلیل مقاومت نیروهای خودی و تلفاتی که بر دشمن وارد گردید، حملات عراقی ها در تنگه ی چزابه متوقف و تلاش نیروهای خودی در منطقه عملیاتی فتح المبین آغاز شد.

در این حال، روند تحولات سیاسی در داخل کشور نیز پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی های نظامی به تدریج تثبیت شد. در واقع، حضور مردم در صحنه سیاسی کشور، حذف جریان ضد انقلابی و به موازات آن حضور مردم در صحنه جنگ و افزایش توان نظامی نیروهای خودی و دستیابی به برتری سیاسی - نظامی بر دشمن، عوامل اصلی این تحولات بودند. امام خمینی با توجه به آمادگی مردم و همچنین ضرورت تداوم تهاجم به دشمن، جوانان را برای حضور در جبهه تشویق و ترغیب کردند و فرمودند:

[صفحه ۱۴]

«برادران و جوانان پشت جبهه توجه کنند که باید فعالیت کنند و داوطلبانه بروند به این جنگ و این مسئله را زود حلش کنند.» [۷] .

افزایش حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ بر اثر فراخوانی امام و تحولاتی که در داخل کشور رخ داده بود و همچنین انتخاب منطقه عملیاتی فتح المبین، ضرورت گسترش اساسی سازمان رزم سپاه را آشکار می کرد. به عبارت دیگر سازمان رزم سپاه و تعداد تیپ های تشکیل شده تناسبی با وسعت منطقه عملیاتی نداشت، در نتیجه افزایش نیروهای رسمی نظامی با تشکیل یگان های جدید،

با هدف افزایش سازماندهی نیروهای مردمی، مورد توجه قرار گرفت. محسن رضایی در این زمینه گفت:

«در طریق القدس چهار تیپ داشتیم، وقتی رفتیم منطقه عملیاتی فتح المبین متوجه شدیم پنج الی شش تیپ کم داریم، اینجا بود که ناچار شدیم حتی نیروهایی را که کنار دست خودمان بودند همه را فرستادیم رده های پایین» [۸] .

از دیگر اقدامات این مرحله، یافتن افراد مناسب برای فرماندهی تیپ ها بود. پیش از این، تنها مرتضی قربانی و احمد کاظمی به عنوان فرمانده تیپ منصوب شده بودند و در مرحله جدید، قاسم سلیمانی به فرماندهی تیپ ۴۱ ثارالله (ع)، نبی رودکی به فرماندهی تیپ ۳۴ امام سجاد (ع)، علی فضلی به فرماندهی تیپ ۳۳ المهدی (عج)، احمد متوسلیان به فرماندهی تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص)، مرتضی صفار به فرماندهی تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) و رئوفی به فرماندهی تیپ ۷ ولی عصر (عج) منصوب و مأمور به تشکیل تیپ های جدید شدند. بدین ترتیب سازمان رزم سپاه با جهشی کاملا چشمگیر برای اجرای عملیات فتح المبین آماده شد.

[صفحه ۱۵]

عملیات فتح المبین

اوضاع خودی در آستانه عملیات

در آستانه عملیات فتح المبین، روند تحولات سیاسی کشور رو به بهبود نهاد و کاملا با اوضاع عملیات ثامن الائمه (ع) تفاوت داشت. منافقین بر اثر ضربات پی در پی، بدنه و بخشی از کادر مرکزی خود را از دست داده بودند و سایر گروه های ضد انقلاب نیز که تلاش همه جانبه ای را برای در دست گرفتن قدرت آغاز کرده بودند، عملا از پای در آمدند. روند تحولات نظامی نیز با توجه به وضعیت رو به اضمحلال دشمن پس از عملیات طریق القدس و شکست در تنگه ی چزابه، به سود ایران تغییر کرده بود. در این حال،

بنا به گزارش نشریه انگلیسی لویل میل، عراقی ها با نگرانی از روند موجود، پیشنهاد مخفیانه ای برای پایان جنگ ارائه کردند. [۹].

دلائل انتخاب منطقه

در پی پـاک سـازی و تـأمین منطقه عمـل?ات? طریق القـدس، تنهـا دو منطقه غرب رودخـانه کرخه و غرب رودخانه کارون و خرمشـهر در اشـغال متجـاوزان بـاقی مانـده بود. برای انتخاب منطقه عملیات بعـدی و نکات مثبت و منفی هر منطقه، بحث های فراوانی شـد. دو منطقه غرب کارون – خرمشـهر و منطقه غرب شوش و دزفول در دسـتور کار طراحان و فرماندهان نظامی قرار داشت که سـرانجام پس از بررسـی کارشناسـی، منطقه غرب رودخـانه کرخه برای عملیـات انتخـاب شـد. علل چنین تصـمیمی عبارت بود از:

۱– در صورت موفقیت عملیات، مناطق آزاد شده با نیروی کمتری قابل

[صفحه ۱۶]

پدافند بود و امکان تمرکز نیرو برای عملیات در مناطق دیگر فراهم می شد.

۲– وسـعت منطقه غرب رودخانه کرخه تقریبا یک سوم منطقه غرب رودخانه کارون بود لـذا با مقدورات موجود، اصل تمرکز قوا به نحو مطلوب تر و مطمئن تری تحقق می یافت.

۳– انهدام دو لشکر قوی و دست نخورده ی ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه ی ارتش عراق، مستقر در غرب کرخه، ضربه سنگینی برای عراق بود و در کاهش توان رزمی اش تأثیر زیادی داشت.

۴– با عقب راندن عراق از غرب کرخه، تهدید شهرهای حیاتی و مهم اندیمشک و دزفول رفع می گردید و این دو شهر و شهر شوش از برد توپخانه دشمن خارج می شدند.

۵– شـکل منطقه، مسیر خط تماس و موضع پدافندی، وجود پل ها و شناسایی های انجام شده، موجب سرعت در طرح ریزی و کـاهش زمـان آمـادگی برای اجرای عملیـات شـد، به گونه ای که بین دو عملیات طریق القـدس و فتـح المبین وقفه طولانی به وجود

نیامد. [۱۰] .

محسن رضایی در این باره گفت:

«اگر عملیات فتح المبین را انجام می دادیم، بخش زیادی از امکانات نیروهای ما آزاد می شد و برای آزادی خرمشهر توان ما افزایش می یافت. دوم اینکه ما با استعدادی که داشتیم نمی توانستیم در خرمشهر عمل کنیم. ضمن اینکه این جاده [اهواز - اندیمشک] به هر حال جاده مهمی بود، دزفول و شوش مهم بود و دشمن اگر عقب می رفت، جاده آزاد می شد. این دلائل در انتخاب منطقه مؤثر بود.» [۱۱] .

موقعیت و وضعیت منطقه

منطقه عمومی عملیات فتح المبین در غرب رودخانه کرخه واقع شده است که از شمال به ارتفاعات بلند و صعب العبور تیشه کن، دالپری، چاه نفت و تپه سیپتون، از جنوب به ارتفاعات بلند میشداغ، تپه های رملی و چزابه (شیب)، از شرق به رودخانه کرخه و از غرب به مرز

[صفحه ۱۷]

بین المللی در شمال و جنوب فکه محدود می شود.

زمین این منطقه از سه قسمت کوهستانی، تپه ماهوری و دشت تشکیل شده است و اختلاف ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۲۱۰ متر است. زمین در شمال منطقه جنس سختی دارد و هر چه به طرف جنوب حرکت شود از استحکام آن کاسته می شود، به گونه ای که در ارتفاعات، جنس خاک به تدریج از سنگی به شنی و ماسه ای تبدیل می شود. بخش هایی از غرب و جنوب منطقه را نیز تپه های رملی پوشانده است.

در این منطقه، رودخانه کرخه از شمال به جنوب شرقی جریان دارد، رودخانه فصلی چیخواب در تابستان خشک و به هنگام بارندگی سیلابی می شود و عبور از آن محدود به پل های موجود بر روی محور دزفول - دهلران می باشد و رودخانه روفائیه که از آب های دامنه های جنوبی ارتفاعات شاوریه و تپه

۳۵۰ و شمال دشت عباس تشکیل شده و سواحل آن دارای شیب ملایم است، به هنگام بارندگی تحرک نیرو را برای مدتی، محدود و کند می کند.

عوارض حساس منطقه عبارتند از: رشته ارتفاعات ۳۳۶، ۳۴۳، ۳۵۰ و ارتفاع شاوریه که بر محورهای پل عین خوش مسلط است، تپه علی گره زد، تپه ابوصلیبی خات، دامنه های جنوبی ممله و کمرسرخ، بخش های شمالی ارتفاعات تینه معروف به عین خوش و دامنه های غربی ارتفاعات تینه که بر محور ابوغریب به رودخانه دویرج مشرف هستند. عوارض دیگر شامل تپه برقازه، ارتفاعات رقابیه و دامنه های شمالی ارتفاعات میشداغ، تنگه ی ذلیجان و پل نادری می باشد.

جاده های آسفالته دزفول به دهلران، عین خوش به چم سری، امام زاده عباس به چاه نفت، جاده تنگه ی ابوغریب و پل های احداث شده روی رودخانه های چیخواب و دویرج از مهم ترین راه های مواصلاتی منطقه هستند.

[صفحه ۱۸]

موقعیت منطقه و عوارض حساس آن، آرایش خاصی را به دشمن تحمیل کرده بود که آگاهی نیروهای خودی از آن، زمینه وارد ساختن ضربات سهمگین را بر دشمن فراهم کرد.

استعداد و گسترش نیروهای دشمن

عراق در این منطقه لشکرهای ۱ و ۱۰ زرهی را تقویت و مستقر کرده بود و لشکر ۳ زرهی نیز احتیاط منطقه بود. آرایش نیروهای دشمن به گفته اسیران عراقی عبارت بود از:

۱- لشکر ۱۰ زرهی که قرارگاه اصلی آن در نزدیکی عین خوش قرار داشت، در شمال منطقه به شرح زیر گسترش یافته بود:

- تیپ ۶۰ زرهی در ارتفاعات شمال امام زاده عباس

- تیپ ۵۰۵ پیاده در سمت راست تیپ ۶۰ زرهی

- تیپ ۴۲۳ پیاده در سمت راست تیپ ۵۰۵

- گردان مکانیزه از تیپ ۲۴ مکانیزه در سمت راست تیپ ۴۲۳

- تیپ ۴۲ زرهی که

جاده امام زاده عباس - پل نادری را در تصرف داشت.

۲- قرارگاه اصلی لشکر ۱ مکانیزه که نزدیک جاده فکه - شوش و پشت ۱۷ زرهی (چنانه) قرار داشت، در منطقه جنوبی به شرح زیر گسترش یافته بود:

- تیپ ۹۳ پیاده در سمت چپ جاده فکه - شوش

- تیپ ۱ زرهی - پیاده در سمت راست جاده فکه - شوش مقابل شهر شوش

- تیپ ۲۷ زرهی - پیاده در سمت راست تیپ ۱

- تیپ ۲۴ زرهی - پیاده در سمت راست تیپ ۲۷

- تیپ های ۹۶ پیاده، ۳۴ و ۵۱ زرهی، که ارتفاعات نزدیک جاده و میشداغ را در تصرف داشتند.

[صفحه ۱۹]

- تیپ ۱۷ زرهی سمت راست جاده در ارتفاعات مقابل دشت رادار همچنین لشکر ۳ زرهی به استعداد سه تیپ (۶ و ۱۲ زرهی و ۸ مکانیزه) و چهار گردان توپخانه سازمانی لشکر در احتیاط قرار داشت. علاوه بر آن تیپ های ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱ و ۲۱ برای تقویت سازمان تیپ های مستقر در منطقه استفاده می شدند، ضمن اینکه تیپ های ۱۰ زرهی، گارد ریاست جمهوری و ۱۴ مکانیزه نیز منطقه را پشتیبانی می کردند.

در مجموع، نیروهای دشمن شامل ۷ تیپ زرهی، ۶ تیپ مکانیزه، ۱۵ تیپ پیاده و نیروهای فراوان جیش الشعبی و کماندو می شد. این توان برحسب گردان، شامل ۲۷ گردان زرهی، ۲۵ گردان مکانیزه، ۴۵ گردان پیاده و دست کم ۱۲ گردان توپخانه بود. [۱۲] البته با شروع عملیات، یگان های متعدد دیگری از ارتش عراق برای مقابله با رزمندگان وارد این منطقه شدند.

[صفحه ۲۰]

طراحی عملیات

اهداف و مأموریت

سپاه در طرح اولیه خود و قبل از تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه (قرارگاه کربلا) تصمیم داشت که با

یگـان هـای خود ارتفاعات ابوصـلیبی خات (سایت و رادار) در محور شوش و همچنین در امتـداد آن به طرف شـمال، تپه های علی گره زد و شـاوریه و دهلیز را بـه تصـرف در آورد. امـا پس از تشـکیل قرارگـاه مشـترک، این طرح به دلیـل تـأمین نکردن اهـداف مورد نظر و کـاهش نـدادن خطوط پدافنـدی و آزادسـازی نیروهای خودی از خطوط پدافنـدی بحث و بررسـی شـد و سرانجام بر دو هـدف شامل انهـدام نیروهای دشـمن و کاهش خطوط پدافندی توافق شد و مانور عملیات نیز بر این اساس طرح ریزی شد. اهداف نظامی عملیات فتح المبین چنین بود:

۱- انهدام نیروهای دشمن به منظور کاهش توان نظامی اش.

۲- دستیابی به خطوط پدافنـدی مطمئن با هـدف صـرفه جویی در نیرو [۱۳] (آزاد شـدن نیروهای خودی از خطوط پدافنـدی و کسب آمادگی برای عملیات بعدی).

۳- خارج ساختن شوش، اندیمشک، دزفول و پایگاه چهارم شکاری از برد توپخانه دشمن.

۴- خارج کردن جاده اندیمشک - اهواز از برد آتش مؤثر دشمن.

[صفحه ۲۱]

۵- آزادسازی مناطق مهمی چون جاده اندیمشک - دهلران و سایت رادار ۴ و ۵. [۱۴] .

۶- تصرف چاه های نفتی منطقه ابوغریب.

مأموریت قرارگاه فرماندهی در این عملیات چنین اعلام شد:

«فرماندهی عملیات کربلای ۲ (فتح المبین) در ساعت (س) روز (ر) به منظور انهدام نیروهای دشـمن در منطقه عملیاتی دزفول و شوش تک می کند. ارتفاعات علی گره زد، ابوصلیبی خات، تنگه ی رقابیه، ارتفاعات چنانه و عین خوش را تصرف و تأمین و در منطقه پدافند می نماید و آماده می شود بنا به دستور، تک را به سمت غرب، برای تأمین خط مرز ادامه دهد.» [۱۵] .

سازمان رزم

یگان های ارتش شامل لشکرهای پیاده ۲۱ حمزه و ۷۷ خراسان، ۹۲ زرهی [۱۶]

و تیپ هـای ۳۷ زرهی شـیراز، ۵۸ ذوالفقار، ۸۴ خرم آبـاد، ۵۵ هـوابرد و گروه ۳۳ توپخانه بودنـد. یگان های سـپاه نیز عبارت بودند از: تیپ های ۱۴ امام حسین (ع)، ۴۱ ثارالله (ع)، ۲۷ محمـد رسول الله (ص)، ۷ ولی عصر (عج)، ۳۵ امام سجاد (ع) ۲۳ المهدی (ع)، ۱۷ علی بن ابی طالب (ع)، ۸ نجف اشرف، ۲۵ کربلا، ۴۶ فجر، ۳۰ زرهی و تیپ ایلام.

درباره اسـتعداد یگان های سـپاه آمار متفاوتی وجود دارد که علت آن روند رو به رشد و تکاملی سپاه در سازماندهی نیروهای مردمی در

[صفحه ۲۲]

آن زمـان بود. در واقع، گرچه از یگـان هـای سپاه به عنوان تیپ یاد می شـد، ولی برخی از تیپ ها به دلیل تعـداد گردان های تحت امر، استعدادی برابر یک لشکر داشتند.

در طرح برآورد وضعیت شماره ۱ که قرارگاه مقـدم نیروی زمینی ارتش در جنوب آن را در پنجم آذر ۱۳۶۰ تهیه کرد، آمده است:

«نیروی زمینی در این عملیات با دو لشـکر پیاده، یک لشـکر زرهی، یک تیپ پیاده و یک تیپ پیاده هوابرد که جمعا شامل ۴۳ گردان مـانوری است (۲۵ گردان پیـاده، ۴ گردان مکـانیزه، ۱۱ گردان تانـک و ۳ گردان سوار زرهی، بـا پشتیبـانی ۱۴ گردان توپخانه صحرایی شامل ۴۲ آتشـبار) شـرکت می کنـد و این عملیات را سـپاهیان پاسدار با نیرویی در حدود ۷۰۰۰ نفر - کـه با احتساب هر گردان ۳۰۰ نفر، حدود ۲۳ گردان می شود - تقویت می نمایند.» [۱۷] .

[صفحه ۲۳]

با توجه به همکاری ارتش و سـپاه، قرارگاه مرکزی کربلا با فرمانـدهی مشترک نیروی زمینی ارتش و سـپاه پاسـداران، هدایت کلی عملیات را برعهده داشت که چهار قرارگاه فرعی به شرح ذیل تحت امر آن بود:

۱- قرارگاه مشترک قدس:

لشکر قدس از سپاه شامل تیپ های ۴۱ ثارالله با ۶ گردان، ۱۴ امام حسین (ع) با ۹ گردان، ایلام با ۳ گردان و گردان مستقل علی اکبر (ع). نیروهای ارتش شامل تیپ ۸۴ خرم آباد با ۳ گردان و تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ با ۳ گردان.

۲- قرارگاه مشترک نصر: لشکر نصر سپاه شامل تیپ های ۷ ولی عصر (عج) با ۹ گردان، ۲۷ حضرت رسول (ص) با ۹ گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۲۱ حمزه با ۱۲ گردان، تیپ ۵۸ ذوالفقار با ۴ گردان.

۳- قرارگاه مشترک فجر: لشکر فجر از سپاه شامل تیپ های ۳۳ المهدی (عج) با ۶ گردان، ۴۶ فجر با ۵ گردان، ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) با ۵ گردان، امام سجاد (ع) با ۱۱ گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۷۷ با ۳ تیپ ۲، ۱ و ۳ با ۱۰ گردان.

۴- قرارگاه مشترک فتح: لشکر فتح سپاه شامل تیپ های ۲۵ کربلا با ۱۶ گردان، ۸ نجف با ۸ گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۹۲ با ۱ تیپ، تیپ ۵۵ هوابرد تحت امر عملیاتی لشکر ۹۲ و تیپ ۳۷ زرهی شیراز [۱۸].

[صفحه ۲۴]

در مجموع، سپاه پاسداران با ۱۰۰ گردان نیرو و ارتش جمهوری اسلامی ایران با ۴۳ گردان اعم از پیاده، زرهی و مکانیزه در عملیات شرکت کردند. در این عملیات، سپاه ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر غنیمتی و ارتش ۴۶۰ دستگاه تانک و نفربر سازمانی خود را به کار گرفتند. علاوه بر آتش پشتیبانی توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش نیز برحسب مأموریت و استعداد خود در عملیات مشارکت داشتند. به طور کلی، حضور رو به گسترش سپاه و سازماندهی نیروهای مردمی در سازمان

تیپ [۱۹] و لشکر سبب شد که توان رزمی نیروهای خودی افزایش یابد [۲۰] .

[صفحه ۲۵]

از نکات بارز در این مرحله قابلیت انعطاف زیاد در تغییرات سریع سازماندهی و تشکیلات رزمی و توان بالا در جذب نیروی مردمی می باشد. برای مثال پس از مدتی کار روی طرح و در هنگام آماده سازی مقدمات عملیات، استعداد نیروهای سازمان داده شده به ۳۰۰ درصد آنچه در طرح ابتدایی پیش بینی می شد رسیده بود. در واقع از این لحاظ فتح المبین تجربه ای برای هدایت یک جنگ مردمی بود. [۲۱] .

طرح مانور

به دلیل ترکیب نیروهای سپاه و ارتش برای اجرای عملیات، دو دیدگاه متفاوت در طرح ریزی عملیات فتح المبین وجود داشت. طراحان نظامی ارتش بر این نظر بودند که عملیات به صورت مرحله ای و با دو قرارگاه و از سه محور پل نادری، شوش و ارتفاعات شاوریه و تپه ی بلتا برای تأمین ارتفاعات علی گره زد و تپه های ابوصلیبی خات انجام شود و پس از آن در مرحله دوم، عملیات به طرف عین خوش - دوسلک و رقابیه ادامه یابد. این طرح شبیه عملیات ارتش در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ بود. از سوی دیگر گروه طرح ریزی سپاه با توجه به آنچه پیش از این حاصل شده بود، با این طرح مخالف بود، این طراحان معتقد بودند با توجه به وضعیت زمین و عوارض منطقه و نحوه آرایش دشمن، عملیات باید در یک مرحله و با چهار قرارگاه برای تصرف عقبه های دشمن و با استفاده از راه کارهای ابتکاری از شمال عین خوش و شرق رقابیه به عین خوش اجرا شود. سرانجام پس از بحث و بررسی هایی که انجام گرفت، طرح سپاه پذیرفته شد.

بدین ترتیب، عملیات از چهار محور

کلی با چهار قرارگاه سازماندهی شد که این قرارگاه ها از شمال به جنوب عبارت بودند از قدس، نصر، فجر و فتح.

[صفحه ۲۶]

محور قرارگاه قدس (تیشه کن، چاه نفت به سمت دشت عباس و عین خوش)

در این محور، ارتفاعات عین خوش و تنگه ی ابوغریب به عنوان عوارض حساس منطقه شمالی، از اهداف حیاتی عملیات محسوب می شوند زیرا از قابلیت پدافندی برخوردار بودند و در صورت تأمین و تصرف آنها، عقبه نیروهای دشمن تهدید و خطوط مواصلاتی آنها قطع می شد.

در واقع محور قرارگاه قدس، جناح لشکر ۱۰ عراق بود که به علت مسافت طولانی و وجود کوه های صعب العبور، عراقی ها کمتر به آن توجه داشتند. به همین دلیل خطوط دشمن در این محور استحکام لازم را نداشت. به طور کلی هدف نهایی قرارگاه قدس در این محور، تصرف ارتفاعات عین خوش، منطقه ابوغریب و تینه بود.

محور قرارگاه نصر (غرب پل نادری)

در این محور، ارتفاعات شمال شرقی شامل علی گره زد، شاوریه و بخشی از جاده دزفول - دهلران، عوارض حساس این منطقه بودند و در صورت آزادسازی و تأمین آنها، عقبه نیروهای دشمن در پای پل، سرخه صالح و کوت کاپن تهیه می شد و همچنین الحاق نیروهای خودی در پای پل آسان و امکان دستیابی به چنانه و برقازه فراهم می گردد.

بنابراین قرارگاه نصر در جناح چپ قرارگاه قدس مأموریت داشت مناطقی چون شاوریه، تپه بلتا، علی گره زد، تپه چشمه، کوت کاپن و سایر عوارض حساس منطقه را تصرف و تأمین کند. عملیات در این محور به دلیل نحوه ی آرایش و استعداد دشمن و حساسیت عراق به این منطقه، به شکل تک جبهه ای بود که عملیاتی سخت و دشوار محسوب می شد.

[صفحه ۲۷]

محور قرارگاه فجر (شوش)

در این محور، تپه های ابوصلیبی خات مهم ترین عوارض حساس منطقه در غرب رودخانه کرخه به شمار می رفتند که بر تمام این منطقه مشرف بودند و در صورت تصرف و تأمین آنها، علاوه بر تجزیه نیروهای دشمن، دستیابی به چنانه و تپه های برقازه تسهیل و زمینه سقوط مواضع دشمن در ملحه، کوت کاپن، سرخه صالح و سرخه قلیچ فراهم می شد.

قرارگاه فجر در این محور مأموریت داشت عوارض حساس منطقه را تصرف و تأمین کند. نظر به حساسیت دشمن به این منطقه و استحکاماتی که در آن ایجاد کرده بود، عملیات در این محور سخت و دشوار پیش بینی می شد.

محور قرارگاه فتح (رقابیه)

این محور در جنوب منطقه عملیاتی قرار داشت و تنگه ی رقابیه و تپه برقازه (در جنوب و جنوب غربی) حساس ترین عوارض منطقه محسوب می شدند. محور عملیات قرارگاه فتح جناح لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق بود که در صورت تصرف و تأمین آن، علاوه بر دور خوردن نیروهای دشمن در منطقه ی عین خوش و تهدید عقبه ی لشکر ۱ مکانیزه در محور دوسلک و غرب آن، امکان تأمین خط پیوسته پدافندی با اتکا به ارتفاعات تینه و میشداغ - از عین خوش تا تنگه ی چزابه - فراهم می شد، ضمن اینکه دشمن مجبور می شد بیشتر نیروهای خود را در پشت رودخانه دویرج مستقر کند.

عملیات فتح المبین برای دستیابی به اهداف موردنظر در سه مرحله اجرا می شد. در مرحله اول، با آغاز عملیات، باید هدف های علی گره زد، شاوریه، ابوصلیبی خات و تنگه رقابیه تصرف و تأمین

[صفحه ۲۸]

می شد. در مرحله دوم و پس از تأمین کلیه هدف های مرحله اول، نیروهای خودی باید با ادامه تک، عین خوش، تنگه ابوغریب و تپه های غرب چنانه را تصرف و تأمین

می کردند و در مرحله سوم، نیروهای ارتش و سپاه در شمال و جنوب منطقه به تشکیل خط پدافندی اقدام می کردند. [۲۲] .

اقدامات دشمن پیش از آغاز عملیات

پس از عملیات طریق القدس، دشمن دچار نوعی آشفتگی روحی شد و در حالی که مرعوب و وحشت زده بود، هنوز درک روشنی از ویژگی های تاکتیکی و عملیاتی نیروهای خودی نداشت. در چنین وضعیتی، دشمن قبل از آغاز عملیات فتح المبین – بر اساس شواهد و قرائن موجود و برخی منابع جاسوسی که در داخل ایران داشت – از اجرای این عملیات آگاهی یافت لذا برای مقابله با آن، در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ در تنگه ی چزابه دست به حمله زد تا ابتکار عمل را در دست گیرد. گرچه این تهاجم تلفات بسیاری برای آنها در برداشت، ولی موجب تأخیر در اجرای عملیات فتح المبین نیز شد [۲۳] [۲۴] متعاقب حمله عراق در منطقه چزابه، نیروهای خودی برای به دست گرفتن ابتکار عمل و انحراف توجه دشمن از عملیات اصلی، اقدام به طراحی عملیات ام الحسنین (س) در نزدیکی منطقه درگیری (چزابه) نمودند. این عملیات که در ۳ مرحله در تاریخ های ۲۵، ۲۴ و ۲۶ اسفند ۱۳۶۰ در منطقه حمیدیه (جنوب کرخه نور) انجام گرفت، ضربات مناسبی

[صفحه ۲۹]

به دشمن وارد کرد. در این عملیات ارتش عراق متحمل ۷۰۰ کشته و ۱۵۰ اسیر شد و تعدادی تانک و ادوات آن منهدم گردید. [۲۵] .

البته با افزایش فعالیت نیروهای خودی در منطقه عملیاتی فتح المبین و مقابله با دشمن در تنگه ی چزابه، عراقی ها تلاش بعدی خود را در ۲۸ اسفند ۱۳۶۰ با هدف بر هم زدن سازمان رزم و رسیدن به خطوط پدافندی مستحکم نیروهای خودی در منطقه جنوب شوش و دشت

رقابیه آغاز کردند. انتخاب این منطقه برای حمله، بر پایه درک دشمن از محورهای اصلی تهاجم نیروهای خودی بود؛ عراقی ها می پنداشتند که چون امکان تک در ابعاد وسیع و عمیق برای ایرانی ها وجود ندارد، به همین دلیل، عملیات اصلی آنها در محور شوش و یا پای پل نادری خواهد بود و تلاش در سایر محورها برای پشتیبانی است. اظهارات اسیران عراقی، از جمله گفته های زیر درباره ی اهداف و محورهای تهاجم نیروهای خودی، نشان دهنده ی مرگ دشمن از این عملیات بود. به عقیده آنان طرح حمله نیروهای ایران به این شرح بود:

«الف- تصرف مواضع لشکر ۱۰ ارتش عراق از طریق دشت سیپتون و رسیدن به جاده اصلی عین خوش - امام زاده.

ب- تصرف مواضع لشکر ۱ ارتش عراق در مناطق رقابیه از کوه میشداغ به سمت جنوب و غرب و حرکت به سوی جاده اصلی فکه - شوش.

ج- تصرف مواضع لشکر ۱ در محورهای جاده اصلی (جبهه تیپ ۱ و تیپ ۹۳) و همچنین تصرف جبهه در منطقه دوسلک و جبهه لشکر ۱۰ در محور نادری و پاک سازی منطقه رادار.

د- هدف اصلی، محاصره و از یکدیگر جدا ساختن یگان ها و در نتیجه نابودی و یا اسارت افراد آنها بود.» [۲۶] .

بدین ترتیب، ارتش عراق با هدف به تأخیر انداختن عملیات

[صفحه ۳۰]

فتح المبین، دست به این حمله زد. هجوم نیروهای عراقی به این منطقه سبب شد تا بسیاری از معابر نفوذی و محورهای عملیات کشف و بر مشکلات نیروهای خودی افزوده شود. اگر چه مقاومت رزمندگان و همچنین ناتوانی دشمن، مانع تفوق مؤثر دشمن و بهره برداری نظامی و سیاسی او شد ولی به هر حال از آنجا که رزمندگان در

آستانه اجرای عملیات قرار داشتند، تردیدهایی در اذهان برخی فرماندهان یگان های عملیاتی ایجاد کرد. زیرا گمان می کردند که دشمن کاملا هوشیار شده و از منطقه و محورهای عملیات آگاه شده است. اما به رغم وضعیت موجود، فرماندهی جنگ تأکید داشت عملیات هر چه زودتر انجام شود. با این حال به دلیل جو حاکم، فرمانده سپاه (با توجه به تنگی وقت) برای مشورت با امام خمینی با یک فانتوم رهسپار تهران شد. امام در پاسخ به این نکته که تأخیر در زمان عملیات به ضرر ما خواهد بود فرمودند تا کاملا در شک و دودلی نباشید نمی توان استخاره از قرآن نمود. شما خودتان تصمیم بگیرید. ولی اگر بخواهید می توانید برای طلب خیر از خداوند به قرآن هم رجوع کنید. فرمانده سپاه بلافاصله به منطقه عملیاتی بازگشت و با توجه به باقی بودن تردیدها، با توصیه امام به قرآن تفأل زده شد که آیات سوره فتح نوید فتح و پیروزی و نصرت خداوند را به آنان داد. از این رو فرماندهان جنگ به رغم تردیدهای باقی مانده آماده اجرای عملیات شدند و بر اساس آیات مزبور نام «فتح المبین» را برای عملیات انتخاب کردند. [۲۷] .

[صفحه ۳۱]

شرح عملیات

اشاره

نظر به اینکه اجرای عملیات در ابعاد گسترده و اهداف مورد نظر مستلزم مقدمات بسیاری بود، از این رو نیروها (ارتش و سپاه) با هماهنگی لازم، تلاش گسترده ای را برای کسب آمادگی انجام دادند. در این باره باید از احداث جاده های متعدد، افزایش سنگرها، اقدام به شناسایی برای کسب اطلاعات از دشمن و برآورد دقیق از استعداد، گسترش و توانایی های آن و ایجاد معابر در میان استحکامات دشمن اعم از میادین

مین و سیم خاردار برای عبور نیروهای رزمنده و تعیین محورهای عملیات نام برد. علاوه بر این، طراحی عملیات متناسب با وضعیت زمین و آرایش دشمن و تعیین سازمان رزم و انتقال امکانات و نیروهای لازم از جبهه های دیگر از جمله اقدامات اساسی بود که قبل از عملیات انجام گرفت.

شروع عملیات

پس از کسب آمادگی های لازم، عملیات فتح المبین در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد دوم فروردین ۱۳۶۱ با رمز مبارک یا زهرا (س) و با چهار قرارگاه قدس، نصر، فجر و فتح آغاز شد.

در این عملیات، مأموریت قرارگاه های قدس و فتح در مقایسه با قرارگاه های نصر و فجر از اهمیت بیشتری برخوردار بود. پس از آنکه دشمن از مأموریت رزمندگان در محور قرارگاه فتح آگاه شد، مأموریت قرارگاه قدس اهمیت بیشتری یافت زیرا قوای دشمن از مأموریت نیروهای خودی در این محور کاملا غافل بودند، در نتیجه هر موفقیتی در محور قرارگاه قدس که با تهدید عقبه و اشغال مواضع

[صفحه ۳۲]

دشمن در منطقه ی عین خوش همراه بود، هوشیاری آنها در محور قرارگاه فتح را جبران می کرد. در واقع قرارگاه قدس می توانست مهم ترین خطوط مواصلاتی و تدارکاتی عراق در محور دهلران، عین خوش و پل نادری را قطع کند که در این صورت، ورود نیروهای احتیاط ارتش عراق به منطقه با مشکلاتی همراه می شد و راه عقب نشینی نیروهای لشکر ۱۰ ارتش عراق نیز قطع می گردید.

با شروع عملیات، نیروهای قرارگاه قدس - که به دلیل طولانی بودن مسافت، قبلا از محل استقرار خود حرکت کرده و در مواضع مناسبی در نزدیکی دشمن مستقر شده بودند - با تهاجم به نیروهای عراقی، ضمن آزاد کردن بخشی از جاده دهلران - پادگان کرخه،

در عین خوش مستقر شدند. همچنین در این حمله منطقه کمرسرخ، امام زاده عباس و تپه های ۲۰۲ به تصرف نیروهای خودی درآمد.

در محور قرارگاه نصر، نیروهای این قرارگاه علاوه بر تصرف اهداف خود در غرب پل نادری شامل سه راهی قهوه خانه، کوت کاپن و تپه چشمه، ارتفاعات شمال شرقی منطقه یعنی شاوریه و علی گره زده را نیز آزاد نمودند و با پیشروی در عمق، نیروهای دشمن را منهدم کردند.

در محور قرارگاه فجر، به دلیل جبهه ای بودن تک و تسلط داشتن بر منطقه، نیروهای خودی پس از درگیری با دشمن در خطوط اول، به مواضع خود عقب نشینی کردند.

سرعت عمل قرارگاه های قدس و نصر سبب شد، توپخانه دشمن در علی گره زده با بیش از ۸۲ قبضه توپ سقوط کند که این امر در سرعت پیشروی رزمندگان و کاهش تلفات آنان بسیار مؤثر بود.

با روشن شدن هوا، دشمن - که متحمل تلفات بسیاری شده بود - توان خود را در منطقه عین خوش متمرکز کرد و با بهره گیری از نیروهای رانده شده از محور رقابیه، تلاش گسترده ای را به سمت

[صفحه ۳۳]

امام زاده عباس از شرق به غرب آغاز کرد و در مرحله اول توانست امام زاده عباس را به تصرف در آورد. در این میان، مقاومت نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در برابر فشارهای دشمن در روز اول عملیات بسیار بااهمیت بود. اگر پاتک عراقی ها در این محور با موفقیت همراه می شد، تمام دستاوردهای شب اول عملیات از دست می رفت و تداوم عملیات نیز با مشکلات اساسی روبه رو می شد.

همچنین در روز دوم عملیات، دشمن در محور عین خوش با تلاش بسیار توانست تپه های ۲۰۲ را نیز تصرف کند اما در تصرف کمرسرخ و

عین خوش ناکام ماند.

مرحله دوم عملیات

افزایش فشارهای دشمن بر نیروهای خودی، وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده بود. برای مقابله با این وضعیت و به دست گیری ابتکار عمل و جلوگیری از تداوم تهاجمات ارتش عراق، قرارگاه فتح مأموریت یافت با تصرف تنگه ی رقابیه، عملیات را در شب سوم آغاز کند. در محور شوش نیز قرار شد قرارگاه فجر با عملیات ایذایی عراقی ها را مشغول و درگیر نگه دارد. به قرارگاه نصر و قدس نیز ابلاغ شد، خطوط پدافندی را مستحکم کنند.

عملیات قرارگاه فتح در ساعت ۳ بامداد ۴ فروردین ۱۳۶۱ از دو محور آغاز شد:

در محور اول، تیپ ۲۵ کربلا و یک گردان زرهی از لشکر ۹۲ با هدف تصرف ارتفاعات رقابیه، مستقیما از حاشیه تنگه ی رقابیه و آب گرفتگی وارد عمل شدند.

در محور دوم، تیپ ۸ نجف اشرف با تیپ ۵۵ هوابرد تلاش اصلی خود را برای عبور از تنگه ی دلیجان متمرکز کردند تا از این طریق نیروهای دشمن را در تنگه ی رقابیه و انتهای شمالی میشداغ دور بزنند.

[صفحه ۳۴]

در پی اجرای عملیات در محور اول، مواضع عراقی ها به سرعت سقوط کرد و نیروهای خودی ضمن پاک سازی کامل تنگه ی رقابیه و میشداغ، ارتفاعات رقابیه را نیز تصرف کردند. در محور قرارگاه فجر رزمندگان پس از اجرای عملیات تأخیری، به مواضع خود بازگشتند. [۲۸] .

در منطقه درگیری دو قرارگاه قدس و نصر به دلیل فشارهای سنگین ارتش عراق، آمادگی لازم برای عملیات مهیا نگردید.

پس از سقوط تنگه رقابیه، دشمن که تا این موقع تمام توان اصلی خود را مصروف محور شمالی (عین خوش) کرده بود متوجه تهدیدی جدی از محور جنوبی گردید و جبهه خود را با گسیختگی و

از هم پاشیدگی روبه رو دید. این بار نیروهای عراقی از فشار خود در محور عین خوش کاستند و پاتک های سنگینی را در منطقه رقابیه و ارتفاعات آن تدارک دیدند. فشار نیروهای عراقی در این منطقه به حدی بود که چند بار خطوط پدافندی رزمندگان در داخل تنگه تهدید به سقوط گردید اما ایستادگی و روحیه بالای رزمندگان، نهایتا منطقه فتح شده را از دستبرد دشمن دور نگه داشت.

نمونه ای از وضعیت دشمن در این منطقه را فرمانده تیپ ۹۶ ارتش عراق به هنگام اسارت چنین تشریح کرد:

«ترتیب نیروهای عراقی به هم خورده و از فرماندهی واحدی برخوردار نیست زیرا یگان ها تا رده گردان از واحدهای متبوع خود منفک شده و به سایر یگان ها مأمور می شوند و هر کجا احساس خطر شود یگان ها را پراکنده می نمایند و این خود یک نوع ضعف برای ارتش عراق می باشد.»

مرحله سوم عملیات

شکست سنگین عراق در مرحله دوم عملیات، تسلط نیروهای خودی بر عقبه های آنها، از هم پاشیدگی قوای عراق و موفق نبودن پاتک های

[صفحه ۳۵]

آنان، فرماندهان عملیات را بر آن داشت تا با استفاده از فرصت ضمن جلوگیری از فرار و عقب نشینی احتمالی نیروهای دشمن، با ادامه عملیات به انهدام سنگین نیروهای باقی مانده در این منطقه بپردازند. بر این اساس روز ۷ / ۱ / ۱۳۶۱ برای آغاز مرحله سوم عملیات انتخاب گردید. اهداف این مرحله چنین بود: - قرارگاه قدس: تصرف اهدافی که در مرحله اول از دست داده بود (امام زاده عباس و تپه ۲۰۲) و نیز رسیدن به منطقه ابوغریب و استقرار در ارتفاعات تینه و نهایتا الحاق با قرارگاه های دیگر.

- قرارگاه نصر: در محور شوش که دشمن همچنان سرسختانه مقاومت

می کرد با تغییر مانور، مأموریت تصرف سایت و رادار که از اهداف مهم این محور محسوب می گردید برعهده قرارگاه نصر قرار گرفت تا از شمال به جنوب به پهلوی دشمن حمله کند.

– قرارگاه فجر نیز مأموریت یافت تا در جبهه شوش با دشمن درگیر شود و در صورت امکان ضمن الحاق با قرارگاه نصر خود را به منطقه دوسلك برساند.

– قرارگاه فتح نیز هم زمان برای تصرف برقازه اقدام می کند تا ضمن تصرف آن، در منطقه دوسلك با قرارگاه نصر و فجر الحاق نماید.

رزمندگان اسلام با شروع پیشروی در شب هفتم عملیات متوجه شدند که عراقی ها بسیاری از مناطق را تخلیه و عقب نشینی کرده اند. دشمن در منطقه رقابیه برای جلوگیری از دور خوردن و انهدام بیشتر، برقازه را رها و تا دوسلك و واوی عقب نشینی کرده بود. در منطقه عین خوش نیروهای عراقی دشت عباس (امام زاده عباس و...) و ارتفاع ۲۰۲ را تخلیه و تا ابوغریب عقب کشیده بودند.

نیروهای دشمن در محور شوش مقاومت ضعیفی از خود نشان دادند و تصرف سایت و رادار در منطقه به سهولت انجام پذیرفت. برای

[صفحه ۳۶]

اولین بار در این محور قرارگاه فجر موفق گردید خطوط دشمن را شکافته و نیروهای عراقی را – که خود برای عقب نشینی آمادگی داشتند – تا دوسلك عقب براند.

از این پس دیگر درگیری سختی رخ نداد و گام به گام با عقب نشینی های دشمن، نیروهای اسلام در تعقیب آنها پیش می رفتند. با فرا رسیدن روز لحظه به لحظه بر تعداد اسیران عراقی افزوده می شد و نیروهای عراقی دسته دسته خود را تسلیم رزمندگان اسلامی می کردند.

تلاش عمده رزمندگان در این مقطع رساندن خود به عقبه های دشمن و ممانعت

از فرار نیروهای عراقی بود. اما در این امر توفیق چندانی حاصل نگردید.

سرانجام رزمندگان اسلام در نهم فروردین پس از ۸ روز جنگ موفق شدند به اهداف خود به میزان ۱۰۰ درصد نائل شوند و با استقرار روی ارتفاعات تینه، برقازه، رقابیه و میشداغ، دشمن را تا رودخانه دویرج و تپه های ۱۸۲ در جنوب ارتفاعات برقازه عقب برانند. [۲۹] [۳۰] .

[صفحه ۳۷]

نتایج عملیات

اشاره

۱- آزادسازی ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی ایران شامل ده ها بخش و روستای منطقه، سایت و رادار، جاده مهم دزفول - دهلران.

۲- نزدیک شدن نیروهای خودی به مرز در منطقه غرب شوش و دزفول.

۳- خارج شدن شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش و مراکز مهمی چون پایگاه شکاری دزفول از دید و تیر مؤثر دشمن.

۴- انهدام بیش از ۴ لشکر ارتش عراق.

خسارات و تلفات وارده به دشمن

در عملیات فتح المبین ۲۵ هزار تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی و ۱۷ هزار تن اسیر شدند و تمام یگان های درگیر آن نیز دچار خسارت و تلفات گردیدند.

همچنین ۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو و ۱۶۵ عراده توپ به غنیمت نیروهای خودی در آمد و نزدیک به ۳۵۰ دستگاه تانک و نفربر آنان منهدم شد. در این عملیات ۱۸ فروند از هواپیماهای دشمن نیز سرنگون شد. [۳۱] .

[صفحه ۳۸]

ارزیابی عملیات

بدون تردید عملیات فتح المبین از نظر وسعت، منطقه، شمار نیروهای شرکت کننده، تاکتیک عملیاتی و سرعت عمل نیروها در تأمین اهداف با اجرای مراحل عملیات، بسیار برجسته و بااهمیت بود. یکی از کارشناسان نظامی درباره ی این عملیات می گوید:

«تهاجم ایران در اواخر ماه مارس که تحت عنوان عملیات فتح المبین انجام گرفت، بزرگ ترین و در عین حال پیچیده ترین

تلاش ایران در جنگ تا آن زمان بود. ایرانی ها در جریان این عملیات با بهره گیری از بیش از ۱۰۰ هزار تن از نیروهای منظم، حداقل ۳۰ هزار پاسدار و همین تعداد نیروهای مردمی ارتش ۲۰ میلیونی، اقدام به اجرای یک تهاجم سه مرحله ای کردند که کمر مقاومت عراق در خوزستان شکست.» [۳۲] .

برخی از کارشناسان پیروزی های ایران را به منزله تجدید قوای نیروی انسانی و هماهنگی بهتر ارتش و سپاه می دانند. افرایم کارش، یک کارشناس نظامی دیگر درباره این عملیات می گوید:

«عملیات فتح المبین خفت بارترین شکست را از آغاز جنگ تاکنون نصیب عراق نمود.» [۳۳] .

پیروزی در عملیات فتح المبین در واقع حاصل برتری نیروی انسانی و بینش نظامی ایران بر عراق بود. البته این تأکید به آن معنا نیست که عوامل دیگر بی تأثیر و یا فاقد ارزش و دارای

اهمیت کمتری بودند، لیکن این دو عامل در مقایسه با سایر عوامل از برجستگی و تأثیر بیشتری برخوردار بودند.

عملیات فتح المبین گرچه در آستانه سال جدید و در ایام نوروز انجام گرفت، ولی این مسئله هیچ تأثیری بر جذب نیروهای مردمی نداشت. بر این اساس، غلامعلی رشید در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه، عملیات فتح المبین را «جنگ فراگیر مردمی» نامید. به موازات افزایش حضور نیروهای مردمی، سازمان رزم سپاه گسترش یافت و

[صفحه ۳۹]

این تحول، موجب افزایش توانایی نیروهای خودی در برابر دشمن شد. [۳۴] محسن رضایی در این باره می گوید:

«در حقیقت در عملیات فتح المبین سازمان رزم ما یک مرتبه دچار یک تحول خیلی جدی شد. قرارگاه تشکیل دادیم و تیپ های ما دو برابر شد.» [۳۵] .

سپاه برای این عملیات ۷ تیپ جدید تأسیس کرد که استعداد برخی از آنها برابر یک لشکر بود. روند رو به گسترش سازمان سپاه سبب شد که پس از عملیات فتح المبین این شعار محور تلاش ها قرار گیرد که «یک گام سازماندهی، یک گام عملیات». [۳۶] .

نخستین قرارگاه عملیاتی نیز در این عملیات شکل گرفت. قبل از این، سپاه هیچ گاه قرارگاه لشکری نداشت. ضرورت ناشی از عملیات از یک سو و بلوغ اندیشه نظامی و گسترش سازمان آن از سوی دیگر، مقدمات تشکیل قرارگاه را فراهم کرد. در ابعاد عملیاتی نیز طرح عملیات فتح المبین از ویژگی های مهمی برخوردار بود و همین سبب شد تا با وجود اینکه دشمن از منطقه عملیات آگاهی داشت و تلاش هایی نیز قبل از عملیات برای مختل کردن آن انجام داد ولی با شکست خفت باری روبه رو گردید. ابتکار عمل نیروهای خودی در عملیات فتح المبین، وضعیت را به سود ایران

تغيير داد.

ارتش عراق قبل از فتح المبين با حمله به نيروهاي خودي در تنگه ي چزابه كوشيد ايران را از اجراي عمليات منصرف كند ولي هنگامي كه اين حملات نتيجه نداد، سعي كرد علاوه بر ترميم نقاط ضعف مواضع

[صفحه ۴۰]

پدافندي خود، آرايش نيروهاي ايران را برهم زند اما اين تلاش ها نيز تأثير تعيين كننده اي بر نيروهاي خودي نداشت. [۳۷] .

محسن رضايي در اين باره بر دو نكته تأكيد مي كند:

«نخست اينكه طرح مانور بايستي متناسب با آخرين تغييرات دشمن باشد لذا اطلاعات لازم است به روز باشد. بايد تا آخرين لحظات تغييرات دشمن را درك كنيم و به تناسب آن طرح مانور را تغيير بدهيم. نكته ديگر پافشاري و تلاش براي تصرف نقطه يا نقاطي است كه با تصرف آن تعادل دشمن برهم مي خورد. در عمليات فتح المبين آرايش دشمن به دو نقطه وابسته بود: يكي تنگه ي رقابيه و ديگري ارتفاع برقازه. لذا با نزديكي به دو نقطه ياد شده، تمام جبهه دشمن متزلزل شد.» [۳۸] .

طرح ريزي دقيق عمليات فتح المبين به خصوص در محور قرارگاه قدس - كه در مرحله اول به وارد آمدن خسارت فراواني بر دشمن و درهم ريختگي نيروهاي عراقي منجر شد - يكي از ويژگي هاي مهم اين عمليات بود كه نقش تعيين كننده اي در كسب پيروزي داشت. در محور قرارگاه فتح نيز اقدامات مهندسي براي احداث جاده روي ارتفاعات ميشداغ و تصرف تنگه ي رقابيه همچون تير خلاصي به دشمن بود، چنانكه پس از آن نيروهاي عراقي بدون درنگ دست به عقب نشيني زدند. به عبارت ديگر، با پيروزي عمليات فتح المبين، تصور و باورهاي دشمن درباره توان ويژه رزمي ايران [۳۹] و نيروهاي خود

[صفحه ۴۱]

دستخوش تغيير شد.

[۴۰] پیش از این، دشمن نسبت به توان نیروی نظامی ایران تردید داشت و می پنداشت که نیروهایش می توانند مواضع اشغالی را حفظ کنند. به همین دلیل، دشمن در عملیات بیت المقدس نیز نتوانست مقاومت مؤثری از خود نشان دهد. [۴۱] علاوه بر این، غلامعلی رشید (معاون عملیات فرمانده کل سپاه) قدرت تصمیم گیری فرمانده کل سپاه و توانایی وی را در حل معضلات اساسی عملیات در مرحله طرح ریزی و اجرای آن، ویژگی دیگر این عملیات خواند:

«فتح المبین انصافا خیلی وسیع بود؛ در آن شرایط و در آن دوران سخت، این اراده فرمانده کل سپاه بود که توانست تصمیم گیری کند و این عملیات را انجام دهد. در حالی که بسیاری از فرماندهان تصمیم سرلشکر محسن رضایی را به آن شکل قبول نداشتند.» [۴۲] .

به عقیده غلامعلی رشید پس از عملیات طریق القدس تداوم حضور فرمانده کل سپاه در منطقه علاوه بر اینکه به انتقال نیروهای سپاه و تمرکز امکانات در جبهه ها منجر شد، در بعد عملیاتی نیز جرأت و شهامت طرح ریزی عملیات گسترده و به کارگیری نیروهای مردمی در مقیاس وسیع را به وجود آورد. [۴۳] وی در توضیح این مطلب می گوید:

«در عملیات فتح المبین چند پیچیدگی وجود داشت که واقعا آقا محسن حل کرد؛ مثلا وقتی که در مرحله اول عمل کردیم، عراق مقاومت کرد، اوضاع ما به هم ریخت. شهید حسین خرازی در

[صفحه ۴۲]

عین خوش گرفتار شده بود. عراقی ها به منطقه دشت عباس حمله کردند، اوضاع پیچیده شد و قرارگاه فجر اصلا موفق نشد. قرارگاه فتح هم هنوز آمادگی حمله نداشت. آقا محسن با اینکه مریض بود و حالش هم به هم خورده بود و زیر سرم قرار داشت، اما

همان شب وقتی که حسین (خرازی) گرفتار شد، برادران صیاد و جمالی آمدند و گفتند: حسین را نجات بدهید و ما پیشنهاد می دهیم تیپ ۸۴ و تیپ امام حسین (ع) عقب بکشند، اینها اینجا نابود می شوند؛ فرمانده سپاه در برابر این پیشنهاد کاملا مقاومت کرد و گفت: آقا رحیم (صفوی، فرمانده قرارگاه فتح) باید حمله کند، راه نجات حسین همین است... وقتی آقا رحیم حمله کرد، فشار دشمن در عین خوش کاهش یافت. همه می گفتند عقب نشینی، ولی فرماندهی می گفت، ما عین خوش را با هزار زحمت گرفتیم، عقب نشینی نمی کنیم... این جور مسائل در ذهن فرماندهی بود که ما قادر به درک و حل آن نبودیم. فکر ایشان واقعا کار می کرد و بسیار فعال و عمیق بود و تصمیمات مناسبی می گرفت.» [۴۴] .

اجرای پی در پی مراحل عملیات از دیگر ویژگی های این عملیات بود. هرگونه تأخیر در اجرای مرحله دوم می توانست علاوه بر از دست دادن نتایج و دستاوردهای مرحله اول، عملیات را با ناکامی روبه رو کند. لذا اجرای مرحله دوم عملیات و تصرف تنگه ی رقابیه، به تزلزل و فروپاشی نیروهای دشمن و در نتیجه فرار آنها - به علت ترس از اسارت و انهدام - انجامید [۴۵] .

[صفحه ۴۳]

بازتاب عملیات

«تشدید نگرانی امریکا از روند تحولات جنگ» و تأثیر آن بر روند تحرکات سیاسی در سطح منطقه و تغییر تدریجی سیاست امریکا، شاید برجسته ترین بازتاب عملیات فتح المبین به شمار می رفت. امریکایی ها در حالی که تصور می کردند ایران در گرداب «بحران سیاسی» و «بن بست نظامی» غوطه می خورد و هیچ عنصر تعیین کننده ای در صحنه سیاسی ایران برای مهار و غلبه بر این اوضاع وجود ندارد، با دو رویداد نظامی

مهم روبه رو شدند؛ یکی عقب راندن نیروهای عراقی از شرق رودخانه کارون در عملیات ثامن الائمه (ع) و دیگری رسیدن ایران به مرزهای بین المللی در عملیات طریق القدس بود. امریکایی ها پیش از این می پنداشتند که دولت انقلابی حاکم بر ایران به شدت تضعیف شده است و در معرض سقوط قرار داد. چنان که بعد از پیروزی ایران در عملیات فتح المبین، خبرگزاری آسوشیتدپرس از واشنگتن گزارش داد:

«ایران پس از برتری یافتن بر نیروهای عراقی در جبهه جنگ و پس از فائق آمدن بر چریک های ضد دولتی [منافقین] ، اکنون کشورهای

[صفحه ۴۴]

نفت خیز خلیج فارس را به وقوع انقلاب در آنها تهدید کرده است. سیاست مداران امریکایی در محافل خصوصی خود گفتند: آیت الله خمینی برخلاف تصور ما سقوط نکرد... وی در قدرت است.» [۴۶] .

امریکایی ها با درکی که از روند تحولات داشتند به دلیل احتمال پیروزی ایران، ضمن مخالفت با طولانی شدن جنگ، به طور تلویحی اعلام کردند که کمک به عراق برای امریکا منافع زیادی در بردارد. [۴۷] یک مقام بلند پایه وزارت دفاع امریکا در این باره گفت:

«امریکا قصد دارد بی طرفی خود را در جنگ ایران و عراق حفظ کند و در برابر فشار دولت های عرب برای جانب داری از عراق مقاومت نماید. با این حال ما با این نکته موافق هستیم که کمک به عراق - که نیروهایش در جنگ با ایران ناکام مانده اند - برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه خواهد داشت.» [۴۸] .

رادیو اسرائیل نیز طی تحلیلی درباره علت تغییر مواضع امریکا چنین گفت:

«برای دولت واشنگتن کمال مطلوب آن است که جنگ کنونی بدون پیروزی یکی از طرفین پایان یابد زیرا رژیم کنونی ایران

که امریکا را شیطان بزرگ لقب داده، در صورت پیروزی در جنگ برای صدور انقلاب خود گستاخ تر خواهد شد. روی این اصل تا هنگامی که ایران در آستانه تجزیه قرار نگرفته و رژیمی که بر سر کار است می تواند از تسلط کمونیزم و پیشروی شوروی جلوگیری کند. ادامه جنگ ایران و عراق موجب نگرانی نخواهد بود و دولت واشنگتن به روش بی طرفی در این نزاع ادامه خواهد داد.» [۴۹] .

امریکایی ها پیش تر، در پی برتری عراق در جبهه های جنگ، از امکان بهره برداری روس ها از این وضعیت نگران بودند ولی با برتری

[صفحه ۴۵]

نظامی ایران و تأثیرات ناشی از آن در عراق و در سطح منطقه، از ادامه جنگ نگران شدند. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه نوشت:

«متخصصان امریکایی می گویند نیروهای نظامی ایران جریان جنگ را تغییر داده و در تمام جبهه های جنگ با عراق پیروز می شوند. این تغییر، جریانی است که بسیاری از رژیم های صادر کننده نفت طرفدار غرب را هراسان ساخته است و می تواند اولین نشانه های برگشت مجدد ایران به عنوان نیرویی قدرتمند باشد.» [۵۰] .

در این باره نشریه لوس آنجلس تایمز نیز طی تحلیلی از دیدگاه ناظران امریکایی مسائل بسیار مهمی را مطرح کرد:

»۱- ناظران امریکایی معتقدند که اگر چه آشکار نیست، لیکن جمهوری اسلامی انقلابی ایران طی ماه های اخیر برتری خود را در جنگ با عراق نشان داده است و تا میزان قابل ملاحظه ای به اوضاع داخلی نظم و ثبات بخشیده است.

۲- این ناظران معتقدند که در نتیجه کسب موفقیت های مذکور طی ماه های اخیر، بروز هرگونه هرج و مرج پس از فوت آیت الله خمینی کم شده و بالاجبار امکان ورود نیروهای شوروی

به ایران و اقدام تلافی گرانه امریکا را کاهش داده است.

۳- احتمال قد برافراشتن ایران انقلابی، بسیاری از کشورهای خلیج فارس خصوصا آن دسته از کشورهایی را که به عراق کمک نموده اند، مشوش ساخته است.

۴- ناظران امریکایی می گویند که در نتیجه تحولات فوق، دولت امریکا مجبور شده است که موضع خود نسبت به تهران را مورد بررسی قرار دهد.» [۵۱] .

امریکایی ها برای ارزیابی اوضاع منطقه و اتخاذ سیاست جدید در برابر ایران، تحرکات و تلاش های بسیاری انجام دادند. افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و تأسیس پایگاه در برخی از این کشورها بخشی از این تلاش ها بود. واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا

[صفحه ۴۶]

طی سفری به کشورهای منطقه، درباره فروش سلاح نظامی و حتی واگذاری بلاعوض تسلیحات، مذاکراتی را انجام داد. وی در سفر به عربستان درباره فروش هواپیماهای آواکس و سایر تجهیزات نظامی به این کشور مذاکراتی انجام داد. در این حال به گزارش خبرگزاری فرانسه، کنگره امریکا فروش ۱۵ میلیارد و ۷۰۰ هزار دلار اسلحه و تجهیزات امریکایی به دولت سعودی را تصویب کرد. بر اساس این مصوبه امریکا باید ظرف چهار سال، چهار پایگاه هوایی، دو پایگاه دریایی، سه پایگاه زمینی و شمار زیادی مراکز فرماندهی به مقامات ریاض تحویل می داد. [۵۲] همزمان با این جریانات، تعدادی هواپیمای امریکایی اف. ۱۵- که بخشی از معامله ۵ / ۸ میلیارد دلاری اسلحه بین امریکا و پادشاه سعودی بود - وارد عربستان شد. [۵۳] .

واینبرگر در سفر خود به عمان نیز تأکید کرد که امریکا از پایگاه های خود در عمان برای رویارویی با خطر انقلاب ایران، در زمان مناسب استفاده خواهد کرد. اظهارات واینبرگر درباره سیاست

امریکـا و تغییرات آن، تـا انـدازه ای هـدف این کشـور از تحرکـات دیپلماتیـک در منطقه و انعقـاد قرارداد فروش تسـلیحات و احداث پایگاه با کشورهای منطقه را روشن می کند. وی می گوید:

«تاکنون سیاست امریکا در خاورمیانه بر اساس حفظ دولت های دوست از خطر شوروی بود، ولی پس از اعدام سادات و بروز نـاآرامی هـای اخیر در بحرین و پیروزی هـای ایران، وزارت دفـاع امریکـا به این نتیجه رسـیده است که آنچه ادامه جریان نفت خاورمیانه به غرب را تهدید می کند، خطر منطقه ای است نه خارجی.» [۵۴] .

امریکایی ها که پیش از این، در تبلیغات ضد روسـی خود، «تهدید شوروی» را به عنوان «تهدیدی خارجی» و خطر اصـلی برای ادامه جریـان نفت خاورمیـانه و بی ثباتی در کشورهای دوست امریکا در منطقه معرفی می کردنـد، پس از پیروزی های نظامی ایران، «تهدید ایران» را به عنوان تهدیدی منطقه ای، در تبلیغات خود برجسته

[صفحه ۴۷]

کردند تا سیل جنگ افزارهای خود را به کشورهای منطقه سرازیر کنند. این تغییر گذشته از تأثیرات کوتاه مدت آن، به عنوان استراتژی ای جدیـد، آثار و نتایج بلند مدتی نیز در پی داشت که پس از فتح خرمشـهر به تدریج نمایان شد. به همان اندازه که احسـاس نگرانی امریکـا از پیروزی هـای ایران به ایجـاد رعب و هراس در کشورهـای منطقه منجر شـد، در مقابـل، نگرانی این کشورها نیز بر مواضع و سیاست های امریکا تأثیرگـذار بود. کشورهای منطقه به دلیل حمایت از عراق، از تغییر روند جنگ به سود ایران نگران بودند. روزنامه واشنگتن پست در این باره نوشت:

«بسـیاری از کشورهای نفت خیز طرفدار غرب در خلیج فارس از جمله شـبه جزیره ی عربسـتان و کویت از عراق حمایت کرده اند و بنابراین دلیل کافی برای ترس از

ایران را دارند.» [۵۵] .

در این حال نگرانی امریکا از اوضاع منطقه دلیل کافی برای افزایش نگرانی در کشورهای منطقه بود. تحلیل روزنامه الخلیج در این باره بر پایه اظهارات سخن گوی وزارت خارجه امریکا، این موضوع را آشکار می کند:

«امریکا پس از حمله گسترده اخیر ایران، علی رغم موضع سابق خود در قبال جنگ، سخت به وحشت افتاده و خواستار پایان دادن سریع به این جنگ است زیرا به عقیده امریکا پیروزی ایران در جنگ باعث محکم تر شدن موضع دولت ایران می شود و استقرار امنیت در منطقه را مختل خواهد کرد.» [۵۶] .

پس از عملیات طریق القدس و پیش از آغاز عملیات فتح المبین، صدام برای جلب حمایت اعراب به طور مکرر از کشورهای منطقه درخواست کمک کرد. پس از عملیات فتح المبین و به موازات افزایش نگرانی امریکا و تغییر استراتژی این کشور نیز، تحرکات نسبتا گسترده ای در منطقه انجام گرفت. علاوه بر سفر واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا و قراردادهایی که بین این کشور و حکام منطقه منعقد شد، برخی از کشورهای عربی مانند قطر، کویت و عربستان پشتیبانی

[صفحه ۴۸]

خود را از عراق به طور رسمی اعلام کردند. [۵۷] در این حال بخش عربی رادیو لندن از کشورهای خلیج فارس خواست به رهبری عربستان سعودی به یکدیگر نزدیک شوند تا بتوانند از آثار مهم پیروزی احتمالی ایران در منطقه بکاهند. [۵۸] .

در پی این تحولات، وزیر دفاع سعودی طی سفری ناگهانی به بغداد با صدام ملاقات کرد و به وی قول پشتیبانی داد. ملک حسین (شاره اردن) نیز در سفر دوره ای خود به کشورهای منطقه با خالد، شاه سعودی، ملاقات کرد. [۵۹] .

حسنی مبارک، رئیس دولت مصر نیز در

دیدار با اعضای مجلس مصر گفت:

«چنانچه جنگ برای مدت زیادی ادامه یابد، عواقب شومی برای منطقه به بار خواهد آورد.» [۶۰] .

از سوی دیگر رادیو امریکا به نقل از سخن گوی وزارت خارجه مصر اعلام کرد که قاهره آمادگی دارد امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس را تضمین کند. مشاور مبارک نیز اعلام کرد مصر در فکر متوقف ساختن جنگی است که سبب بی ثباتی و عدم امنیت منطقه شده است. وی همچنین ارسال مهمات و قطعات یدکی از مصر به عراق را تأیید کرد. [۶۱] .

بدین ترتیب بیشتر کشورهای عربی مواضعی هم سو با مواضع امریکا اتخاذ کردند. در این میان تنها سوریه آشکارا به سود ایران و علیه عراق تلاش می کرد. سوریه صدور نفت عراق را که از طریق خطوط لوله از خاک این کشور می گذشت، قطع کرد. در مقابل ایران نیز - بنا به گزارش رادیو لندن - پذیرفت از این پس نفت پالایشگاه های سوریه را که قبلا عراق تأمین می کرد، تأمین کند. [۶۲] .

علاوه بر این رخدادها، ادعای دوباره ی «صلح طلبی» عراق که پیش از این نیز به موازات تشدید ضعف نظامی این کشور مطرح شده بود، پس از عملیات فتح المبین در شکلی جدید به گوش رسید. صدام در چهارم فروردین ۱۳۶۱ با ارسال نامه ای برای سکوتوره از وی تقاضا

[صفحه ۴۹]

کرد کمیته ای را برای روشن کردن حقایق جنگ و شناسایی متجاوز تشکیل دهد. سعدون حمادی، وزیر خارجه وقت عراق، نیز طی مصاحبه ای مطبوعاتی در ۱۹ فروردین ۱۳۶۱ اعلام کرد که عراق میانجی گری الجزایر را می پذیرد ولی قرارداد ۱۹۷۵ میلادی نمی تواند مبنای مذاکرات باشد زیرا این قرارداد در آن شرایط به عراق تحمیل شده است. [۶۳] تنها

سه روز پس از ادعاهـای صـلح طلبی مقـام هـای عراقی، صـدام طی سـخنانی در مجلس ملی این کشور ماهیت واقعی ادعاهای عراق را روشن ساخت. وی گفت:

«در حال حاضـر هدف اساسی ما این است که از ورود نیروهای مسلح ایران به قلمرو خاک عراق جلوگیری به عمل آوریم... تا زمانی که جنگ ادامه دارد، بر ماست که هر قـدر بتوانیم به عمق خاک دشـمن نفوذ کنیم تا مانع از گلوله باران شـهرهایمان از سوی دشمن شویم... آنها در این عملیات [فتح المبین] قصد داشتند وارد عماره شوند.» [۶۴] .

از سویی برخوردار نبودن ایران از امکانات و تجهیزات نظامی پیشـرفته و همچنین ناتوانی نیروهای نظامی ایران، از مسائل عمده ای بود که رسـانه هـای خـارجی و کارشـناسان و تحلیـل گران امور نظـامی، همواره در بررسـی جنـگ ایران و عراق و مقایسـه وضـعیت دو کشور به آن اشـاره و تأکیـد می کردنـد. بر اسـاس این تحلیـل هـا طبعـا نه تنهـا برای حاکمـان عراق امکان درکی درست از تحولاتی که منتهی به پیـدایش وضـعیت جدید در مرحله آزادسازی شده بود، وجود نداشت، بلکه غفلت رسانه های خارجی و کارشـناسان نظامی آنها را نیز موجب گردید؛ اما با وجود این، سلسله عملیات رزمندگان اسلام توانست به طور قطع، باور و ذهنیت عراقی ها و کارشـناسان رسانه های خارجی را مورد سؤال قرار دهد. زیرا صحنه عمل و نتایج حاصل از تحرکات نظامی رزمنـدگان اسـلام، گویاتر از همه چیز خودنمایی می کرد. رادیو بی. بی. سـی به دنبال آزادسازی کامل منطقه عملیاتی فتح المبین، چنین گفته است:

[صفحه ۵۰]

«نظر متخصـصان امور اطلاعـاتی غرب روشن است که ایران در درگیری های اخیر با عراق (فتـح المبین)، دست برنـده را دارد. متخصصان نظامی در غرب این عملیات را

پیروزی بزرگ ایران می دانند. نیروهای مسلح ایران، نفرات بیشتری در اختیار دارند و از روحیه بسیار خوبی برخوردار می باشند.»

رادیو بی. بی. سی طی دو روز متوالی با تأکید بر پیروزی رزمندگان اسلام، به نتایج و ابعاد رو به گسترش آن در منطقه اشاره و تأیید می کند:

«چشم انداز پیروزی نهایی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای منطقه تلقی کرد. چنین شکستی برای صدام حسین، می تواند ملاحظات صرفا نظامی را بر تمامی منطقه ای حاکم کند که اهمیت سیاسی و استراتژیک آن بسیار قابل توجه است.» [۶۵] .

نگرانی درباره آثار ناشی از پیروزی های رو به گسترش ایران در منطقه، به ویژه در صورت سقوط رژیم صدام و تأثیرات فزاینده آن بر تهدید منافع امریکا و غرب، مهم ترین مسئله ای بود که در رسانه ها به آن اشاره می شد و محور تلاش های دیپلماتیک کشورهای منطقه، امریکا و غرب محسوب می گردید؛ لذا علاوه بر حمایت سیاسی - تبلیغاتی از رژیم صدام، تدابیری برای کمک به این کشور اتخاذ شد که از جمله آنها، اعزام نیرو از مصر و اردن برای یاری رساندن به صدام بود.

به موازات این اقدامات، تلاش برای بازگرداندن مصر به جهان عرب و ایجاد تشکل عربی در حمایت از صدام به همراه آمادگی برای رویارویی با تحولات غیر منتظره در عراق و منطقه در دستور کار حامیان عراق قرار گرفت. ابوغزاله وزیر دفاع مصر از امریکا درخواست کرد تا برای خنثی کردن نتایج احتمالی پیروزی های اخیر ایران در جبهه جنگ با عراق، اقدامات لازم را به عمل آورد. [۶۶] حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز گفت:

«اوضاع خاورمیانه به مرحله

بسیار جدی و خطرناکی رسیده است.»

[صفحه ۵۱]

پیام امام خمینی به مناسبت آغاز عملیات فتح المبین

بسم الله الرحمن الرحیم

ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم

اخبار غرورآفرین جبهه های نبرد علیه قوای شیطانی را یکی پس از دیگری دریافت نمودم. قلم قاصر است که احساسات خویش را ابراز کنم. به قوای مسلح اسلامی - که خدایشان نصرت آخرین را نصیب فرماید - تبریک عرض می کنم. مبارک باد بر شما عزیزان افتخارآفرین پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه الله و نصرت ملکوتی اعلی نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیه الله الاعظم - ارواحنا له الفداء - نمودید. رحمت واسعه خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شب های نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند. مژده باد به شما جوانان برومند در تحصیل رضای پروردگار که از بالاترین سنگرهای روحانی و جسمانی ظاهری و باطنی پیروزید. مبارک باد بر بقیه الله - ارواحنا له الفداء - وجود چنین رزمندگان ارزشمند و مجاهدان فی سبیل الله که آبروی اسلام را حفظ و ملت ایران را روسپید و مجاهدان راه خدا را سرافراز نمودید. ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام به شما سلحشوران افتخار می کنند. آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشاندید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت چنین جوانان رزمنده ای، و بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستند. اینجانب از دور، دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می بوسم و بر این بوسه افتخار می کنم. شما دین خود

را به اسلام عزیز و میهن شریف ادا کردید و طمع ابرقدرت ها و مزدوران آنان را از کشور خود بریدید و سخاوتمندانه در راه شرف و عزت اسلام جهاد کردید. «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما».

درود بر فرماندهان بزرگوار رزمندگان و بر همه مجاهدان راه عظمت کشور و اسلام. و نفرت و لعنت بر منافقان و منحرفانی که می خواستند یکی از انبارهای مهمات چنین مجاهدانی را به آتش بکشند. و غضب و سخط خداوند بر آن خدانشناسانی که با کمک به صدام عفلقی می خواستند او را نجات دهند. و شکر بی پایان خداوندی را که توانستید با شکست مفتضحانه، نیروهای کفر را در بارگاه قادر متعال بی آبرو و در پیشگاه ملت های مسلمان منفور نمایید. من از خداوند تعالی نصرت نهایی شما عزیزان و شکست مخالفان حق را خواستارم.

درود بر شما و رحمت خدا بر شهیدان راه حق و شهدای جبهه نبرد حق علیه باطل. و السلام علی عباد الله الصالحین.

۲ فروردین ۶۱ - روح الله الموسوی الخمینی

پاورقی

[۱] دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، جلد اول (تهران: بهمن ۱۳۶۱)، ص ۱۰۲، مصاحبه اختصاصی طه یاسین رمضان با روزنامه الثوره ارگان رسمی حزب بعث، ژانویه ۱۹۸۲، اواخر دی ۱۳۶۰.

[۲] محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

[۳] مأخذ ۲.

[۴] اسیران عراقی اهداف عراق را چنین ذکر می کنند:

۱- جلوگیری از حمله نیروهای اسلام به مواضع لشکر یکم و دهم (که در منطقه عملیاتی فتح المبین استقرار داشتند). ۲- وارد آوردن خسارت

بیشتر به نیروهای اسلام. ۳- تغییر آرایش یگان های لشکر یکم در بخشی از جبهه و در طول سمت راست آن.

(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق، نوشته ی اسرای عراقی).

[۵] مأخذ ۲.

[۶] محمد درودیان، جنگ؛ بازیابی ثبات (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸) ص ۱۹۲، مصاحبه اختصاصی با غلامعلی رشید.

[7] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۲۶۵.

[۸] مأخذ ۲.

[۹] روزنامه واشنگتن پست، به نقل از نشریه لویل میل چاپ بریتانیا، ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

[۱۰] نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، دفاع مقدس، اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۳۰.

[۱۱] مأخذ ۲.

[۱۲] محمد درودیان، جنگ؛ بازیابی ثبات، ص ۱۹۷، به نقل از سند ۶۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات فتح المبین.

[۱۳] محسن رضایی در این زمینه گفت: «این یکی از تدابیر عملیاتی ما بود که قبل از اینکه برویم به خرمشهر، مرتب سعی می کردیم نیروهایی را که در خطوط پدافندی زمین گیر بودند آزاد کنیم و با تکیه کردن به مواضع طبیعی در پدافند، آماده شویم برای عملیات بعدی.» (درس های تجزیه و تحلیل ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵).

[۱۴] گذشته از اهمیت این سایت در کنترل پرواز و نقش آن در دفاع هوایی منطقه، از آنجا که دشمن قادر بود با موشک های زمین به زمین دزفول را هدف قرار دهد و این کار را هم می کرد، لذا برای پی بردن به اهمیت سیاسی نظامی آن برای دشمن، ادعای صدام حسین در این باره کاملا گویا و

آشکار است. وی در مصاحبه ایی مطبوعاتی چنین ابراز کرد: «اگر ایرانیان سایت و رادار را بگیرند کلید بصره را به آنان خواهم داد».

[۱۵] سازمان عقیدتی – سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس، جلد اول، نبردهای غرب دزفول، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۰۳.

[۱۶] لشکر ۹۲ زرهی ابتدا با دو تیپ ۱ و ۲ وارد عمل شد و در مراحل نهایی عملیات، تیپ ۳ نیز به صحنه عملیات آمد که استفاده چندانی از آن نشد.

[۱۷] در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، ابتدا در صفحه ۱۹۴ استعداد سپاه، سه لشکر ذکر شده است و در صفحه ۲۰۳ این کتاب درباره استعداد نیروهای سپاه بر اساس طرح شماره ۱ عملیات کربلای ۲ (فتح المبین) – تهیه شده در اواخر دی ۱۳۶۰ – آمده است: در فرضیات پیش بینی شده بود که سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی نیرویی شامل حداقل ۹۰۰۰ تن آماده و تا پایان عملیات کربلای ۲ (فتح المبین) هماهنگ با یگان های ارتشی در عملیات شرکت می نمایند. همچنین در صفحه ۲۰۴ این کتاب درباره استعداد نیروهای سپاه برحسب تعداد و سازماندهی آنها آمده است: همان طور که قبلا ذکر شد، سپاه پاسداران موظف به تشکیل یگان ها جمعا با استعداد ۹۰۰۰ نفر شده بود. بنابراین سپاه پاسداران با سه لشکر هر یک با استعدادی حدود ۳۰۰۰ نفر که تیپ های آنها دارای استعدادی معادل ۶۰۰ نفر و گردان های مربوطه ۲۰۰ نفر رزمنده داشتند، در کنار لشکرها، تیپ ها و گردان های ارتشی که به ترتیب دارای استعداد پرسنلی حدود ۴۰۰۰، ۱۲۰۰۰ و ۸۰۰ نفر بود، قرار می گرفتند. در صفحه ۲۱۵ این

کتاب که مطالبی درباره سازمان رزم عملیات آمده است، بر مفهوم «طرح عملیاتی نهایی» تأکید شده است، لذا همین مسئله سبب شده است که درباره استعداد نیروهای سپاه به آخرین آمار ارائه شده استناد شود.

درباره تعداد لشکرهای سپاه در عملیات فتح المبین باید گفت که در ۲۳ آذر ۱۳۶۰ در قرارگاه نیروی زمینی ارتش در جنوب، در نخستین جلسه مشترک سپاه و ارتش در خصوص عملیات فتح المبین، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش گفت: «جلسه امروز برای مقایسه نظرات ارتش و سپاه تشکیل شده و سپاه نظر خودش را بگوید.» سپس برادران سپاه نظر خود را بیان کردند. در برآورد اولیه، برادر رشید گفت: «سپاه با سه لشکر پیاده می تواند در دزفول وارد عمل شود.» متأسفانه با وجود افزایش سازمان سپاه به چهار لشکر، همچنان در منابع منتشره از ارتش، بر همین آمار تأکید می شود، حال آنکه این آمار بعدها افزایش یافت و سپاه، هم در جلسات و هم به صورت کتبی به فرماندهی محترم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی استعداد سپاه را اعلام کرد.

درباره سازمان و استعداد یگان های سپاه در عملیات فتح المبین این توضیح ضروری است که در نامه فرماندهی کل سپاه به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با شماره ۵-۱۲۶، مورخ ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۰، درباره سازمان سپاه برحسب قرارگاه های قدس، نصر، فجر و فتح توضیح لازم داده شده است. برابر این آمار و ارقام، استعداد یگان های سپاه برحسب گردان تا پیش از شروع عملیات حدود ۷۸ گردان بود، ضمن اینکه حتی در حین عملیات نیروهایی جذب و سازماندهی شدند و همچنان بر آمار نیروهای شرکت کننده در سازمان سپاه افزوده شد که

این تعداد به ۱۰۰ گردان رسید با در نظر گرفتن ۷۸ گردان نیرو اگر استعداد هر گردان را ۲۰۰ تن فرض کنیم، نیروهای سپاه تنها پیش از شروع عملیات نزدیک به ۱۶ هزار تن بوده اند و برحسب ۳۰۰ تن در هر گردان نزدیک به ۲۴ هزار تن و با میانگین ۵۰۰ تن در هر گردان، حدود ۴۰ هزار تن نیرو حضور داشت. حال، در اینکه چرا در کتب برادران ارتش، بر رقم ۹۰۰۰ تن تأکید شده است، ابهام وجود دارد.

[۱۸] این تیپ تحت کنترل قرارگاه نصر و در محور علی گره زد به دشت عباس وارد عمل شد که در مرحله دوم نیز موفقیتی نداشت.

[۱۹] در صفحه ۱۱۶ کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش آمده است: سپاه پاسداران با بهره برداری از انگیزه علاقه مندی نیروهای مسلح مردمی که متعاقب موفقیت حاصله در عملیات ثامن الائمه (ع) ایجاد شده بود، یگان هایی در سطح تیپ تشکیل و در عملیات های بعدی شرکت داد. در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس، با استناد به طرح شماره یک عملیات کربلای ۲ (فتح المبین) در اواخر دی ۱۳۶۰، با ذکر فرضیات و توضیح آن آمده است: در فرضیات پیش بینی شده بود که سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی نیرویی شامل حداقل ۹۰۰۰ نفر آماده و تا پایان عملیات کربلای ۲ (فتح المبین) هماهنگ با یگان های ارتشی در عملیات شرکت می نمایند. در این کتاب سپس آمده است: فرضیات نشان می دهد که نیروهای سپاه پاسداران هنوز سازماندهی نشده بود و تلاش می کرد با بسیج نیروهای مردمی، استعداد پیش بینی شده تأمین گردد.

چنان که ملاحظه می شود در این زمینه در منابع

منتشـره ارتش تناقض وجود دارد، زیرا در کتاب دفاع مقدس زمان تشکیل سازمان تیپ در سپاه بعد از عملیات ثامن الائمه (ع) ذکر شده است، ولی در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس حتی در دی ۱۳۶۰ و پس از عملیات پیروزمندانه طریق القدس که اساسا با اتکا بر تدبیر و خلاقیت نیروهای سپاه در محور شمالی و از تپه های رملی، انجام شد، باز هم به عدم سازماندهی نیروهای سپاه اشاره شده است.

[۲۰] در صفحه ۱۹۴ جلـد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسـلامی در هشت سال دفاع مقدس آمده است: با حضور نیروهای بسـیج مردمی و سـپاه پاسداران در صـحنه های نبرد، توان رزمی و تهاجمی جبهه ها تقویت شده بود... سـپس در همین صـفحه آمـده است: برآورد هـای انجـام شـده نشـان می داد که توان رزمی ارتش جمهوری اسـلامی ایران به تنهایی برای وارد آوردن ضربه سرنوشت ساز به ارتش متجاوز کافی نیست...

ضرورت همـاهنگی ارتش و سـپاه بـا توجه به افزایش سازمان سـپاه در مقایسه با ارتش، از جمله موضوعاتی بود که درباره آن بحث و برسـی شـد. افزون بر این، ایجـاد قرارگـاه مشترک بـا نـام کربلا عملا برای افزایش هماهنگی در هـدایت عملیات انجام گرفت. در این زمینه در کتـاب نقش ارتش جمهوری اسـلامی در هشت سال دفاع مقـدس چاپ ۱۳۷۱، ص ۱۳۰، آمده است: پس از انتخاب منطقه و تصویب آن، کار طرح ریزی آغاز و با اسـتفاده از تجارب حاصـله در عملیات طریق القدس به جای دو قرارگـاه فرمانـدهی جـداگانه سـپاه پاسـداران و نیروی زمینی، یـک قرارگـاه مشترک برای انجام طرح ریزی، هـدایت کنترل و فرماندهی عملیات با نام قرارگاه عملیاتی کربلا تشکیل

و به ترتیب به اجرای هر چه صحیح تر و کامل تر اصل «وحدت فرماندهی» نزدیک شد تا اشکالات عملیات قبلی در زمینه مذکور به وجود نیاید.

[۲۱] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، دو سال جنگ، (تهران: دفتر سیاسی سپاه، بی تا) ص ۱۲۶.

[۲۲] مأخذ ۵ ص ۲۰۳.

[۲۳] در واقع حضور فعال نیروهای اسلام در منطقه موجب حساسیت و هوشیاری زایدالوصف دشمن شده بود تا آنجا که - طی سندی که بعدا به دست آمد - یکی از فرماندهان عراقی خطاب به رده های پایین تر خود چنین می نویسد: از تحرکات دشمن در منطقه دزفول و شوش به طور کلی نتیجه گیری می شود که قصد حمله تعرضی وسیعی دارد، ولی عملیات النصر الحاکم (عملیات چزابه) سبب اصلی عقب انداختن حمله تعرضی دشمن بوده است... فعال بودن هلی کوپتر دشمن در منطقه دزفول، شوش و دلیل بر این است که آنها برای شناسایی منطقه از فرماندهان نظامی و تعدادی از فرماندهی پاسداران خمینی استفاده می کنند.

[۲۴] مأخذ ۵ ص ۲۰۴.

[۲۵] مأخذ ۱۲ ص ۳۰.

[۲۶] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جزوه «تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراق»، نوشته اسرای عراقی ص ۷۹ و ۸۰.

[۲۷] مأخذ ۱۲ ص ۳۷ تا ۳۸.

[۲۸] مأخذ ۵ ص ۲۰۸.

[۲۹] در این نبرد اتفاقاتی که هر کدام شاهکارهای به یاد ماندنی محسوب می گردند رخ داد که البته به موقع خود باید با تمام جزئیات بازگو گردد. در اینجا دو نمونه به عنوان مثال ذکر می شود: دشمن توپخانه بزرگی با استعداد ۸۲ توپ در تپه های علی گره زد مستقر کرده بود که قدرت اجرای آتش بسیاری روی بخش عظیمی از منطقه عملیاتی و حتی روی دزفول داشت. خاموش کردن آتش این توپخانه از

اولین اهداف عملیات بود که باید در ساعات اولیه حمله حاصل می شد. وقتی نیروی نسبتا عظیمی (۳ گردان ارتش و ۳ گردان سپاه) بـدون درگیری تا اعماق دشـمن نفوذ کردنـد و ناگهان در چند ده متری محل اسـتقرار توپخانه مزبور ظاهر شدند، امکان عکس العمل اساسـی برای آنها باقی نماند. با این حمله غافل گیرانه ی رزمندگان، راهی جز نابودی و یا تسـلیم برایشان نمانده لـذا این توپخـانه سالم به دست برادران افتاد. گزارشـی که از بی سـیم دشـمن در این باره موجود است به نحو جالبی صـحنه را مجسم می کنـد: به سـتاد فرماندهی اطلاع داده می شود که توپخانه در حال سـقوط است. از سـتاد فرماندهی به شدت اعتراض می شود که چند گردان زرهی در جلوی شماست چگونه امکان دارد به شما حمله شده باشد چه برسد به اینکه در حال سقوط باشید؟! باز هم وقتی فرماندهی توپخانه از ستاد مقر فرماندهی برای انتقال به عقب آنچه که ممکن است کسب تکلیف می کند با ناباوری فرمانـدهی خود روبه رو می شود. فرمانـدهی برایش قابل تصور نبود که انـدکی پس از شـروع درگیری، توپخانه در معرض سـقوط قرار گرفته باشـد، زیرا نیروهـای جلوتر هر چقـدر هم ضـعیف عمل کرده باشـند مـدت زمان زیادی برای درهم شکسـتن آنهـا نیـاز است و گزارشـی هم از این موارد نرسـیده بود. برای دشـمن قابل تصور نبود که نیروهای زیادی تا نزدیکی توپخانه اش نفوذ کرده باشند و نیروهایی که در خطوط جلوتر موضع دارند، متوجه عبور آنان نشده باشند.

نمونه دیگر: مواضع خمپاره اندازها مسـتقر در تپه های کوت کاپن بدون اینکه فرصت شـلیک بیابند به تصرف درآمد و جهت خمپاره اندازها به سوی دشمن برگردانده شد و شلیک با آنها

شروع شد. به یک مقر فرماندهی در غرب کوت کاپن طوری غافل گیرانه حمله شد که ۹ تن از فرماندهان ارتش عراق در یک حالت گیجی و در حالی که قصد فرار داشتند دستگیر شدند. چند قرارگاه دشمن در ساعات اولیه نبرد تصرف گردید و سیستم فرماندهی دشمن که از بنیان های قدرت دشمن به حساب می آمد فرو ریخت. البته دشمن تجربه عملیات طریق القدس را داشت ولی به دلیل از دست دادن ارتباط مطلوب با یگان ها نمی توانست قرارگاه های فرماندهی را به نقاط خیلی دور منتقل کند.

[۳۰] مأخذ ۱۲ ص ۴۳.

[۳۱] مأخذ ۵ ص ۲۰۹.

[۳۲] ویلیام اف هیکمن، «ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲»، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

[۳۳] افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی»، ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷.

[۳۴] اسیران عراقی در این زمینه می گویند: نیروهای اسلام توانستند تعداد زیادی از داوطلبان بسیجی و همچنین واحدهای ارتش را در این عملیات به کار گیرند. این تجمع نیروها باعث رسیدن به هدف گردید و نیروهای اسلامی حمله خود را به مواضع دفاعی عراق آغاز نمودند و توانستند در بیش از یک منطقه مواضع آنها را به تصرف درآوردند.

(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق، نوشته اسرای عراقی، ص ۸۰).

[۳۵] مأخذ ۲، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

[۳۶] مأخذ ۲.

[۳۷] مأخذ ۲.

[۳۸] مأخذ ۲.

[۳۹] در این خصوص در سندی از لشکر ۵ مکانیزه دشمن که به امضای سرتیپ ستاد ماهر عبدالرشید رسیده است درباره شیوه رزمندگان به نکات مهمی اشاره و اعتراف شده است. در بخشی از این سند آمده

است:

«روش جنگ دشمن (ایرانی) در آخرین نبرد آنها در منطقه استحفاظی سپاه ۴ (شوش و دزفول) مشخصات زیر را داشته است:

۱- دشمن (ایرانی) نیروهای پیاده را رکن اساس عملیات - چه از جهت اعتماد و چه کثرت نفرات - دانسته، سپس بعد از اطمینان از به دست آوردن پیروزی محدود، نیروی زرهی خود را وارد عمل می نماید.

۲- اعتماد دشمن به هجوم آوردن به جناحین با نیروی اصلی خود است که در نتیجه جبهه را با نیروی کمتر تأمین می نماید.

۳- دشمن در حملات خود به هجوم شبانه و در اوایل شب اتکا دارد.

۴- هدف دشمن در عملیات هجومی، رسیدن به قرارگاه های یگان ها و ستادها و مواضع توپخانه بود تا بدین وسیله تشکیلات فرماندهی و مراکز پشتیبانی آتش را فلج نماید.

۵- دشمن کما فی السابق با اجرای آتش تهیه مبادرت به حمله نمی نماید. بلکه از آتش سنگین توپخانه و مؤثر خود در عملیات استفاده می کند.

۶- نیروهای هوایی و هوانیروز دشمن هنوز موفق نگردیده اند تا به برتری هوایی نیروهای خودی دست یابند ولی در این عملیات فعالیت بیشتری از خود نشان داده اند.».

[۴۰] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصل نامه تاریخ جنگ، شماره ۱۱، آبان ۱۳۷۴، ص ۳۲، سخنرانی غلامعلی رشید در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه.

[۴۱] پیشین.

[۴۲] مأخذ ۲۸.

[۴۳] غلامعلی رشید، «شرایط و ضرورت های تولد، تثبیت و گسترش سپاه در جنگ»، مجله سیاست دفاعی، (پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع))، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۴.

[۴۴] پیشین.

[۴۵] از دیگر ویژگی های عملیات فتح المبین که در پیروزی آن نقش داشت چنین است:

- سازمان رزم سپاه: پاسداران که مسئولیت فرماندهی و هدایت بسیج را نیز برعهده داشت به مرور زمان

و متناسب با نیازهای جبهه سازمان خود را از نظر کمی و کیفی گسترش می داد. سیستم اداره جنگ مردمی در عملیات ثامن الائمه و طریق القدس به صورتی ابتدایی شکل گرفت و در عملیات فتح المبین با تغییراتی عمده گسترش یافت. سپاه در این عملیات به طور چشم گیری به گسترش سازمان خود مبادرت ورزید، به گونه ای که در این عملیات ۱۲ تیپ را آماده و وارد میدان ساخت (در عملیات طریق القدس تنها ۴ تیپ وارد عمل شده بود.) همچنین برای اولین بار سازمان لشکر را تدارک و آزمایش نمود. در این عملیات علی رغم تفاوت بافت نیروهای ارتش و سپاه، فرماندهی مشترک از بالاترین رده فرماندهی تا پایین ترین واحدهای رزمی به کار گرفته شد. ادغام نیروها از رزمنده تا رده فرماندهان و تشکیل قرارگاه های مشترک در وضع مطلوبی اجرا گردید. نکته مهم در این ادغام، کامل کردن نقاط قوت و رفع نقاط ضعف نیروها با همکاری یکدیگر بود.

– حضور بی سابقه مردم: در این عملیات حضور گسترده و بی سابقه مردم با حالات معنوی بسیار بالا از جمله ویژگی های قابل ذکر شمرده می شود. حضور گسترده مردم در جبهه ها و پشت جبهه ها و معنویت بسیار عمیق حاکم بر جبهه به گونه ای بود که پس از گذشت سال ها از زمان عملیات همچنان تأثیر خود را در ذائقه شرکت کنندگان در آن عملیات از خود به جا گذاشته است. یکی از دلایل گسترش کیفی و کمی نیروی رزم سپاه در این عملیات را باید در حضور غیرقابل انتظار نیروهای بسیجی دانست.

– بیمارستان صحرایی: برای اولین بار در طول جنگ بیمارستان های صحرایی مجهز به اتاق عمل و... (به طور متعدد) در این عملیات به

کار گرفته شد و این اقدام موجب گردید با اقدامات و پیگیری های اولیه در این بیمارستان ها، مجروحان زیادی از خطر مرگ نجات یابند.

[۴۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۶۰.

[۴۷] برابر اطلاعاتی که اخیرا به دست آمده است، پس از عملیات فتح المبین اولین گروه مستشاران نظامی امریکا برای کمک به عراق وارد این کشور شدند و اطلاعات ماهواره ای دقیقی را در اختیار عراقی ها قرار دادند.

[۴۸] روزنامه اطلاعات، ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

[۴۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰، رادیو اسرائیل، ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

[۵۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰، به نقل از واشنگتن پست، ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

[۵۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۶۱ به نقل از لوس آنجلس تایمز.

[۵۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۰ به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

[۵۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۶۰، به نقل از آسوشتیدپرس، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

[۵۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۶۱، به نقل از واشنگتن پست، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۵۵] پیشین.

[۵۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۱، روزنامه الخلیج، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۵۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۵۸] مأخذ ۴۳، به نقل از رادیو لندن، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۵۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۸ / ۱

/ ۱۳۶۱.

[۶۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۶۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه،۱۳ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو امریکا، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۶۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، بخش عربی، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۶۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۶۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۱.

[۶۵] محمد درودیان، از خونین شهر تا خرمشهر (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۲)، ص ۸۹.

[۶۶] پیشین، ص ۹۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW